

هزینه کشتن/بازداشت: تاثیر حملات شبانه بالای غیر نظامیان

(TLO – OSF)

فهرست مطالب

4	خلاصه
4	افزایش عملیات شبانه عکس العمل برمیانگیزد
4	تأثیرات اصلاحات در رهنمود های تاکتیکی و سایر پالیسی ها
5	آیا عملیات شبانه ارزش کاری دارد؟
6	مقدمه
8	انتخاب اهداف
8	A. استخبارات و هدف گیری حملات شبانه در مجموع بهبود یافته
9	B. باوجود پیشرفت ها، اشتباهات هنوز هم صورت میگیرد
9	C. هدف گیری وسیع سبب دستگیری افراد ملکی بیشتری میشود
9	عملیات شبانه عاملین اعاشه و اباطهء شورشیان را هدف قرار میدهد
10	حملات شبانه مردم ملکی را که معلومات تصادفی در بارهء شورشیان دارند هدف قرار میدهد
11	دستگیری های وسیع و عملیات "تصفیوی" گسترده
12	نگرانی های حقوقی (قانونی): ازدیاد عملیات شبانه خطر هدف گرفتن و گرفتاری ملکی ها را می افزاید
12	الف) عملیات باید جنگجویان و یا کسانی را که مستقیماً در خشونت ها دخیل هستند مورد هدف قرار دهند.
13	ب) بازداشت به پیمانہء وسیع دقت در تشخیص مجرمین را از بین برده و منحیث مجازات جمعی تلقی میگردد
14	پوشش وسیع عملیاتی، پذیرش اصلاحات مثبت را محدود میسازد
15	آسیب های غیر نظامیان و حسابدهی
15	. احتیاط بیشتر، تلفات ملکی کمتر D
16	آسیب کمتر به سبب محتاط بودن جامعهء افغانی
16	. تلفات غیر نظامیان به تصور قصد خصمانه از جانب آنها، هنوز هم بوقوع می پیوندد E
17	. صدمات غیر کشته شده که گاهی نادیده گرفته می شوند، در حال افزایش اند F
18	G. پیشرفت محدود در حسابدهی و شفافیت
19	موارد کمتر جبران خساره برای حملات شبانه نسبت به دیگر عملیات
20	H. عملیات به هدف "بقتل رساندن" کمتر از "بازداشت نمودن"
20	نگرانی های دولت و جامعه افغانستان
21	. نتایج چند جانبه در بهبود نقش و کنترل افغان ها
22	I. لزوم تماس و تشریک معلومات با مردم محل
23	K. سایر نگرانیهای جامعهء افغانی:

.....23.....	شکایات اندک راجع به زنان، قدردانی حضور بیشتر نیروی های افغان
.....24.....	لزوم شفافیت و حسابدگی نیروهای افغان
.....24.....	L. ناکامی در یافتن بدیل برای عملیات شبانه
.....25.....	نگرانی های حقوقی:
.....25.....	قانون بشردوستانه بین المللی خواهان شناسایی متبادل های کم ضرر
.....26.....	M. عواقب نادیده گرفتن تقاضاهای افغان ها برای کاهش و یا توقف عملیات شبانه
.....27.....	نتیجه گیری و پیشنهادات
.....28.....	پیشنهادات برای نیروهای ایالات متحده امریکا و ISAF

خلاصه

عملیات شبانه کشتن و گرفتاری ها (حملات شبانه) توسط نظامی های بین المللی یکی از تاکتیک های بسیار بحث برانگیز در افغانستان است. این عملیات به همان اندازه که برای نیروهای نظامی با ارزش اند، برای جوامع افغانی انزجار آور هستند. حملات شبانه منجر به کشتن و زخمی شدن، و توقیف کردن مردم میشود و واکنش شدیدی را در مجامع افغانی برانگیخته اند. دولت و مردم افغانستان مکررا خواستار توقف حملات شبانه شده اند. نظامیان بین المللی گفته اند که به اکثر نگرانیهای گذشته در مورد حملات شبانه بشمول بهبود راپور های استخباراتی پرداخته اند. ایشان عقیده دارند که حملات شبانه طریقه ای برای کاهش مرگ و میر عوام و یک بخش ضروری ستراتیژی نظامی آنها است.

بنیاد جامعه باز (او - اس - اف) و دفتر ارتباط یک مطالعه عمیق را درباره عملیات شبانه بی در ماه فیروزی سال 2010 به نشر رسانید.¹ از آن تاریخ به بعد بعضی از عملیات ها بهبود یافته ولی بطور کلی حملات شبانه چند برابر شده و اکثر خانواده های افغان در گیر آن شده اند.² راپور هذا تاثیرات این تغییرات را از دیدگاه حقوق بشر و پالیسی مرور مینماید.

افزایش عملیات شبانه عکس العمل بر میانگیزد

شمار حملات شبانه سر به فلک کشید. آمار قابل دسترس برای عموم افزایش پنج برابر بین فیروزی 2009 و دسمبر 2010 را نشان میدهد.³ قرار اظهارات مقامات آیساف (نیروهای بین المللی همکار صلح) به رهبری ناتو، نظامیان بین المللی بطور اوسط 19 حمله شبانه را در یک شب، یعنی در مجموع 1700 حمله شبانه را در تقریبا 3 ماه از دسمبر 2010 الی فیروزی 2011 انجام داده اند.⁴ آیساف در زمینه ارقام جدیدی پخش نکرده است. ولی مصاحبه هایی که برای ترتیب این راپور انجام یافته گسترش هرچه بیشتر عملیات شبانه و احتمالا به پیمانہء وسیعتر را می رساند. در اپریل 2011، یک مشاور ارشد نظامی ایالات متحده امریکا به بنیاد جامعه باز گفت که ممکن به تعداد 40 حمله شبانه در یک شب در تمام افغانستان صورت میگیرد.⁵

مقامات نیروهای بین المللی استدلال مینمایند که افزایش در حملات شبانه یکی از ستراتیژیهای موفق آنها در سال گذشته بوده است، اگر چه آنها برای تایید این ادعا ثبوتی ارائه نکرده اند. آنها استدلال میکنند که در صورت تقلیل عملیات شبانه حملات شورشیان بصورت قابل ملاحظهء از دیاد خواهند یافت. با وجود این دستاورد های مذکور به قیمت هنگفتی بدست آمده اند. تشدید حملات شبانه میدان جنگ رامستقیما به خانه های افغانها برده و واکنش بسیار شدیدی میان مردم افغانستان ایجاد کرده است. دولت افغانستان با در نظر داشت کنترل محدود خود بر حملات شبانه، آنرا مخرب تلاش ها برای آشتی ملی با مخالفین و تهدیدی برای حاکمیت افغانستان نامیده است. شکایات در مورد حملات شبانه مناسبات دولت را بادوستان جامعه جهانی، مخصوصا با ایالات متحده امریکا، خدشه دار ساخته و همچنان بحث های همکاری ستراتیژیک طویل المدت را به مشکل مواجه نموده است.⁶

تاثیرات اصلاحات در رهنمود های تاکتیکی و سایر پالیسی ها

ایساف مکررا مطالبات دولت افغانستان را برای کاهش و یا متوقف ساختن عملیات شبانه رد کرده است و در عوض روی ارزیابی بعضی از شایع ترین شکایات در عملیات شبانه تمرکز نموده. از شروع 2010 به اینسو آیساف دستورالعمل های تاکتیکی برای حملات شبانه و رهنمود هایی را انتشار داده است. این رهنمودها بهبود قابل توجه بمیان آورده و باعث کاهش تلفات ملکی، دقت بیشتر در انتخاب اهداف، تقلیل تلفات مالی به مردم، سهیم ساختن هرچه بیشتر نیروهای امنیتی افغان در عملیات و رفتار احترام آمیز تری با زنان گردیده است.

با وجود این اکثر این بهبودی ها به اثر ازدیاد تعداد عملیات شبانه تضعیف و یا تحت شعاع قرار گرفته است. گرچه بهبود راپورهای استخباراتی سبب شده تا مردم بی گناه کمتر هدف قرار گیرند ولی ازدیاد در حملات شبانه تعداد بیشتر مردم را نسبت به گذشته به خطر مواجه میسازد. فعالیتهای بسیار دیگری است که ممکن منجر به هدف قرار دادن افراد ملکی در حملات شبانه شود بشمول تهیه کردن غذا و سرپناه (تحت فشار و یا غیر آن) برای شورشیان. در اکثر واقعات، غیر نظامی ها صرف به سبب نزدیکی شان به محل فعالیت شورشی ها و یا معلومات اتفاقی در باره گروههای شورشی هدف قرار می گیرند نه به خاطر اشتراک در اعمال تخریبی، که در نتیجه سالانه هزاران فرد ملکی بازداشت میشوند. با وجود اینکه اکثریت افراد غیر جنگی توقیف شده بزودی رها میگردند ولی تاثیرات ناگوار و ماندگار فزینی، آسیب های مالی و عاطفی را متحمل میشوند. نظامیان بین المللی اسیران رها شده را در قدم اول به توقیف خانه های افغانی تحویل میدهند، جاییکه آنها غالبا در وضعیت ناهنجاری بسر برده و با تهدیدها و حتی شکنجه روبرو میشوند.

علاوه بر آن، اگر چه تلفات ملکی به صورت قابل توجهی تقلیل یافته لیکن هنوز هم رخ میدهد خاصتا در اثر تعبیر اشتباه آمیز حرکت افراد بحیث (نیت خصمانه). بر علاوه ازدیاد در تعداد عملیات با شفافیت و تصحیح لازم توام نبوده است مثلا هنگامی که تعدادی افراد ملکی اشتباها بازداشت می شوند، توجیه معقولی از جانب آیساف داده نمی شود. فقدان میکانیزم شفافیت و حسابدگی برداشت افغانها را مبنی بر اینکه نیروهای بین المللی عملیات را برای کشتن، آزار و اذیت و ترسانیدن ناحق افراد ملکی انجام میدهند، قوت می بخشد.

سرانجام آیساف کوشش نهایی نموده تا: (1) به شکایات دولت افغانستان برای داشتن کنترول بیشتر بالای عملیات شبانه رسیدگی کند و (2) درخواست جامعه افغانی برای احترام به مسأله ستر زنان با در نظر داشت حساسیت های کلتوری را در نظر گیرد. معهدا این اصلاحات مخالفت افغانها با حملات شبانه را تغییر اندکی داده است. در بعضی موارد دلیل این است که اقدامات پیشگیرانه ناکافی یا کوتاه مدت بوده است. ناکامی بزرگتر این اصلاحات ناکافی بودن آنها در جواب به تقاضای افغانها برای تقلیل و یا توقف حملات شبانه است که مکررا از طرف حامد کرزی، رئیس جمهور افغانستان، اظهار گردیده.

آیا عملیات شبانه ارزش کاری دارد؟

توزین دست آورد ها با هزینه هنگفت حملات شبانه بدون موجودیت شفافیت و شواهد کمی بسیار مشکل است. واضح است که تغییرات جزئی و زودگذر تاکتیکی در عملیات شبانه ناکافی بوده و نمی توانند با نارضایتی از اصل عملیات مقابله نمایند. اگر چه بهبود قابل ملاحظه بی در اجرای عملیات بمیان آمده ولی قهر مردم ناشی از افزایش در تعداد حملات رضائیت از این اصلاحات را تحت الشعاع قرار داده. با توجه به مخالفت شدید مردم و اداره افغانستان دوام عملیات به سرعت فعلی محتمل بنظر نمی رسد. در حالیکه گروههای شورشی تندرو تهدید بزرگی به تامین حقوق بشر و امنیت در افغانستان محسوب می گردند، ارزش انسانی، سیاسی و ستراتژیکی مسایلی که توسط این راپور به تصویر کشیده میشود سوالی را مطرح میسازد که آیا اتکای مفرط بر عملیات شبانه در طویل المدت بهترین راه برای مقابله با این تهدید است؟

این راپور بخشی از (ابتکار پالیسی منطقوی) بنیاد جامعه باز (OSF) برای افغانستان و پاکستان می باشد. ابتکار پالیسی منطقوی مسایل کلیدی سیاسی در افغانستان و پاکستان را، بشمول تلفات ملکی و بازداشت ها بر اساس اختلافات نظارت مینماید. (OSF) یک موسسه غیر دولتی است که برای ایجاد دیموکراسی فعال و بردبار در کشور هاییکه دولت شان جوابده به مردم آنست، کار مینماید. در سطح محلی، (OSF) ابتکاراتی را در عرصه بهبود عدالت، تعلیم و تربیه، صحت عامه و رسانه های آزاد عملی مینماید.

دفتر ارتباط (TLO) یک موسسه غیر دولتی افغان است که میخواید حاکمیت محلی، امنیت و ثبات از طریق تماس و هماهنگی سیستماتیک با ساختارهای عنعنوی، جوامع محلی و گروه های جامعه مدنی بهبود یابد. دفتر ارتباط در چهار ساحه کاری یعنی ریسرچ، استحکام صلح، عدالت و معیشت سازی کار مینماید. پروژه های دفتر ارتباط در ساحات کاری فوق از طرف تمویل کنندگان مختلف غیر دولتی و سکتورهای دولتی، موسسات بین المللی و نهاد های مختلف تمویل میگردند.

مقدمه

استفاده از حملات شبانه در افغانستان به مقطع بحرانی رسیده است. افزایش چشمگیر در وقوع این نوع عملیات، که دایما سبب ناخوشنودی جوامع افغانی بوده است، قهر افغانها را به اوج خود رسانیده است. تظاهرات مردم بعد از اینگونه عملیات که گاهی بسیار بزرگ و اغلب خشونت آمیز بوده اند در اعتراض به حملات شبانه که آسیب های غیر نظامی را در بر داشته اند به یک امر عادی تبدیل شده. بطور مثال، به تعقیب عملیات شبانه در ولایت تخار که چهار کشته بجا گذاشت بیشتر از دو هزار افغان در تظاهرات بر ضد آن اشتراک ورزیدند که چند روز دوام داشت و طی آن تلاش گردید تا به یک قرارگاه نظامی بین المللی نیز حمله ور شوند.⁷

حملات شبانه چنان با نظرخشم و دشمنی دیده میشوند که حتی یک حملهء شبانه در یک منطقه می تواند به اندازه کافی سبب تخریب سایر تلاشها برای جلب اعتماد مردم شود. یک مطالعه جداگانه توسط بنیاد جامعه باز دریافت که عملیات شبانه رول بزرگی را در توجیه خصومت افغانها بسوی نیروهای بین المللی بازی میکند.⁸ راپور همچنان واضح ساخت که خشم ناشی از عملیات، خوشبینی در مورد تلاش های نیروهای ایساف و ایالات متحده برای تقلیل تلفات ملکی و نیت نیک شان برای ایجاد صلح و ثبات را تحت شعاع خود قرار داده است.

حملات شبانه در بعضی موارد نا مشروع و حتی از جمله اعمال جنایی تلقی شده اند. طی مطالعه که در باره ستراتیژی پولیس محلی توسط موسسه ارتباط انجام یافته باشندگان پنج یا شش ولایت سروی شده حملات شبانه را بدترین جنایاتی دانسته اند که جامعه آنها به آن مواجه شده است.⁹ چنانچه یک مرد ننگر هاری طی مصاحبه در این مورد اظهار داشت "آنها ادعا دارند که ضد تروریست هستند اما کاری که می کنند خود ترور است چون تروریسم را پخش کرده و خشونت بار می آورد".¹⁰

این روش یک معضل را برای نیروهای نظامی بین المللی ایجاد میکند، درحالیکه آنها عدم محبوبیت حملات شبانه و خطر از دست دادن حمایت مردم عام را درک می کنند، این حملات را به عنوان یک جز اصلی از ستراتیژی نظامی خود میبینند. آنها استدلال میکنند که حملات شبانه موثرترین راه برای از بین بردن شبکه های تروریستی و با کمترین خطر برای نظامی ها و کمترین تلفات ملکی می باشد. بعلاوه حملات شبانه را میتوان با استفاده از تعداد کمی از نیروهای بین المللی انجام داد، که عامل مهمی در صرفه جویی انرژی رزمی بحساب می آید.

در نتیجه قوای بین المللی تحت رهبری ناتو در خواست بعضی نهادها (بشمول دفتر ارتباط و OSF) را برای تقلیل و یا توقف حملات شبانه رد کرده در عوض روی تغییرات تکنیکی در عملیات که ممکن بتوانند جوابگوی شایعترین شکایات باشند، تمرکز نمودند. راپور هذا موثریت این ستراتیژی جوابیه را به تحلیل می گیرد.

طی یک ونیم سال گذشته نیروهای آیساف قدم هایی در جهت تغییر و یا محدود کردن حملات شبانه برداشته است. رهنمود های کلیدی که از فبروری سال 2010 بدینسو روی پالیسی حملات شبانه اثر گذار بوده قرار راپور (OSF) و دفتر ارتباط شامل ذیل است :

- رهنمود تاکتیکی مختص به عملیات شبانه که در جنوری سال 2010 صادر گردید، با نسخه طبقه بندی نشده در فبروری سال 2010.¹¹
- تجدید یک رهنمود تکنیکی در باره کاهش تلفات ملکی در آگست سال 2010 پخش گردید (بخش طبقه بندی ناشده صادر نگردید)
- رهنمود تاکتیکی دیگر مشخصا درباره حملات شبانه در دسمبر سال 2010 صادر گردیده (نسخه طبقه بندی ناشده ان صادر نگردیده)¹²
- تجدید یک رهنمود تکنیکی در باره کاهش تلفات افراد ملکی در حملات شبانه در 7 جولای سال 2011 صادر گردید (نسخه طبقه بندی ناشده ان صادر نگردیده)

رهنمود های فوق با هدایات بیشتری که وقتا فوقتا به نیروها ابلاغ گردیده، همراهی شده اند. رهنمود دیگری که آنها به حملات شبانه اختصاص یافته عنقریب به نشر می رسد.

این راپور، که به اساس مطالعه سال 2010 (OSF) و دفتر ارتباط استوار است¹³ دست آورد های اصلاحات فوق را، با در نظر داشت ازدیاد در تعداد حملات، ارزیابی مینماید. راپور هذا بحیث یک تحلیل پالیسی تقدیم میگردد، نه یک سروی تحقیقاتی. معهدا در این تحلیل از محتویات ریسرچ (OSF) و دفتر ارتباط که در سالهای 2009 و 2010 روی حملات شبانه، نظارت بر تغییرات در پالیسی و تشریح چند مورد از تازه ترین حملات بصورت نمونوی، صورت گرفته بود استفاده شده است. در فاصله بین اکتوبر 2010 و جولای 2011 بیشتر از 77 مصاحبه با بزرگان جوامع، شاهدان واقعات، و قربانیان حملات شبانه در ولایت ننگرهار، کندهار، پکتیا، ارزگان، کندز، کنر، و لغمان انجام شده است. بر علاوه جلسات منظم با مسئولین نیروهای بین المللی بحیث بخشی از نظارت بر حملات شبانه، به تعداد 9 مصاحبه با مامورین و مشاورین نیروهای بین المللی که در پلانگذاری، اجرا و نظارت عملیات رول داشتند، صورت گرفت. همچنان 8 مصاحبه با ناظرین مستقل ملی و بین المللی نیز انجام یافت.

این راپور شامل 3 بخش میباشد. بخش اول موضوع تاثیرات تغییراتی را بررسی می کند که بعد از راپور اخیر بالای هدف گیری، که شامل دقت و قانونی بودن حملات شبانه میگردد، بمیان آمده است. بخش دوم موضوع تلاش ها برای مد نظر گرفتن شکایات در مورد صدمه به افراد ملکی را که شامل کاهش تلفات ملکی، عوامل صدمه به افراد ملکی و موثریت طرق حسابدهی می باشد، بررسی میکند.

بخش اخیر موضوع تلاش های آیساف و قوای ایالات متحده امریکا در مورد پاسخ به تقاضاهای وسیع مردم افغان درباره توقف و یا کاهش حملات شبانه، و موضوع کنترل بیشتر حکومت افغان، و احترام به حساسیت های کلتوری و مذهبی افغانها را بررسی میکند.

انتخاب اهداف

در راپور گذشته (OSF) و دفتر ارتباط شکایات متعددی در مورد عدم دقت در حملات شبانه، که منجر به هدف گرفتن افراد بیگناه ملکی و خانه های شان شده، بملاحظه رسید. یک پیشرفت قابل توجه بعد از راپور های قبلی این است که راپورهای کمتری در مورد اشتباه در هدف گیری وجود داشته است. بسیاری از افغانهاییکه مصاحبه کرده اند گفتند که حملات شبانه بطور وسیع مخالفین را هدف قرار داده اند.

باوجود این قدم نهایت مثبت، افغانها هنوز هم بدین باور اند که حملات شبانه مردم بیگناه را هدف قرار میدهد. این ادعا عاری از حقیقت نیست زیرا آیساف تلاش میکند که حملات شبانه را افزایش بدهد و دایره وسیعتری را به دور مخالفین هدف قرار دهد که سبب وسعت ستراتیژی هدف گیری شده و در نتیجه افراد ملکی بیشتری که ارتباط سطحی با شورشیان دارند هدف قرار گرفته و بازداشت میشوند. بر علاوه توقیف های جمعی، مثلا تمام مردان جوان یک خانواده که سلاح حمل کرده می توانند، و یا بازداشت تمام افراد ذکور قریه در ساحه عملیات، تلاش آیساف را که می خواهد نشان دهد که عملیات دقیق بوده و هدف به اساس راپور موثق استخباراتی انتخاب شده، زیر سوال می برد.

A. استخبارات و هدف گیری حملات شبانه در مجموع بهبود یافته

طی سالی که گذشت دقت معلومات استخباراتی و هدف گیری که یکی از شکایات عمده محسوب می گردید، بهبود یافته است. حال آیساف ادعا می کند که از هر 10 هدف گیری در 8 آن هدف خود را بدست می آورد.¹⁴ باوجود یکه آمار در مورد دقت حملات سالهای گذشته در دست نیست، ناظرین و تحلیل گران مستقل که اینگونه واقعات را بررسی میکنند دریافته اند که قرار روایت ها دقت حملات شبانه بهتر شده است. آقای داود زی، رییس دفتر رئیس جمهور کوزی طی مصاحبه که در ماه می 2011 انجام داده بود اظهار نمود که حقیقتا هماهنگی با مقامات افغانی سبب کاهش اشتباهات و تلفات افراد ملکی ناشی از حملات شبانه گردیده است.¹⁵

این بهبودی ممکن از سبب استفاده وسیعتر از طیاره های کشفی، واحد های حمایتی هلیکوپتر، وسایل استراق سمع و سایر وسایل استخباراتی که قبلا در عراق استفاده می گردید، حاصل شده باشد.¹⁶ از دیاد نیروهای عادی و خاص طی سال 2010 نیز عاملی برای محدود کردن حرکات و شبکه های مخابراتی نیروهای شورشی و برتری استخباراتی نیروهای بین المللی انگاشته می شود. مزید برین راپور ها نشان میدهد که تعداد معلومات دهنده ها نیز افزایش یافته است.¹⁷

شواهد جمع اوری شده توسط (OSF) و دفتر ارتباط نشان میدهد که مردم متوجه شده اند که دقت هدف گیری ها زیاد تر شده.¹⁸ یک زمیندار ساکن در میرویس مینه شهر کندهار با وجودی که خود بطور اشتباهی آماج حمله قرار گرفته بود میگوید که دقت حملات بیشتر شده. او گفت "من فکر میکنم که اکثرآ خانه هایی مورد حملات شبانه قرار می گیرند که طالبان در آن موجود باشند، اما بعضا مردم عادی هم کشته میشوند".¹⁹ بعضی از مصاحبه شوندگان که خانه های شان مورد حمله شبانه قرار گرفته بود قبول کردند که علتی برای وقوع حملات وجود داشته، مثلا حضور مهمان ناشناخته

در خانه که ممکن از جمله مخالفین بوده، حضور اقاری که تبلیغ ضد دولتی می کردند در خانه، اعاشه و اباتهء شورشیان و یا تماس گرفتن با افراد شورشی طی چند روز یا هفتهء قبل از عملیات.

B. باوجود پیشرفت ها، اشتباهات هنوز هم صورت میگیرد

باوجود بهبودی در کیفیت اطلاعات استخباراتی حملات شبانه، اشتباهات هنوز هم صورت میگیرد. آیساف میگوید در 20٪ از حملات شبانه نتوانسته اند فرد مورد نظر را دستگیرکنند شاید به دلیل اینکه آن شخص یا فرار کرده و یا هدف اشتباه بوده است.²⁰

یک تعداد تلفات مشهود ملکی در جریان حملات شبانه واقع شده که ظاهرا به اساس اطلاعات نادرست استخباراتی صورت گرفته اند²¹ طور مثال در 12 می 2011 یک سرباز پولیس ملی و خواهر زاده اش که 12 سال عمر داشت هنگامی کشته شدند که خانه اش اشتباها مورد حمله قرار گرفت.²² در دسمبر 2010 یک پدر و پسر جوانش در ولسوالی سرخورد ولایت ننگرهار کشته شدند. قرار اظهارات فامیل آنها اشتباها به جای کسی دیگری کشته شدند (آیساف هرگز قبول نکرد که هدف اشتباه شده و هیچ ثبوتی هم در زمینه ارائه نکرد).²³ در عین واقع به پسر دومی در محل واقع برخورد زشت صورت گرفت و سپس برای یک شب و روز توقیف گردید. موصوف بعدا بدون دانستن جرم خویش رها گردید. افسر تحقیق به او گفت که تمام واقع صرفا یک اشتباه بوده و بس.

با آنکه تلاشهای جدی در بهبود اطلاعات استخباراتی میتواند جلو این اشتباهات را بگیرد باز هم بروز چنین اشتباهات به سبب روال روز افزون عملیات اجتناب ناپذیر است. وجود میکانیزم شفافیت و حسابدهی بسیار مهم و لازمی است تا افراد ملکی بتوانند چنین وقایعی را بیان نمایند.

C. هدف گیری وسیع سبب دستگیری افراد ملکی بیشتری میشود

در حالیکه افراد ملکی بعضا دلیل حمله بخانه خود را می دانند و اظهار می کنند، ولی این بدان معنی نیست که این حملات قانونی هستند. از دیاد فشار بخاطر افزودن تعداد حملات شبانه و فعالیت های ناشی از آن سبب هدف قرار گرفتن افغانهای بیشتری میشود. یک مامور اسبق وزارت خارجه می گوید " قوماندانها زیر فشار استند که برای حملات هدف بیابند بخاطریکه انجام عملیات بیشتر نشانهء موفقیت شمرده میشود"²⁴ در نتیجه حملات شبانه غالبا سبب توقیف افرادی شده که قوانین بین المللی آنها را محارب نمی شمرد، مانند افراد متهم به اعاشه و اباتهء شورشیان و یا کسانی که اطلاعات تصادفی در مورد فعالیت آنها دارند. حملات شبانه افراد بیگناهی را که در صحنه حاضر هستند و مستقیما در فعالیت های خصمانه اشتراک ندارند از یکسهدف قرار میدهند .

عملیات شبانه عاملین اعاشه و اباطهء شورشیان را هدف قرار میدهد

در چندین مورد مردم ملکی شکایت داشتند که به سبب تهیهء غذا و سرپناه (خواه بصورت جبری و یا داوطلبانه) برای شورشیان هدف حملهء شبانه قرار گرفته اند. یک زمیندار 41 ساله ساکن میرویس مینهء شهر کندهار که همراه با برادر، پسر و چند مردی که در مهمانخانهء شان حضور داشتند توقیف شده بود گفت " در آخر آنها به من گفتند که شما طالب نیستید مگر با طالبان ارتباط دارید. طالبان هر وقت در مهمانخانه شما استند و شما به آنها غذا و کمک میدهید"²⁵ نامبرده بعد از چند روز رها گردید.

مرد دیگری که در ماه اکتوبر در ولایت کندز توقیف شده بود گفت که امریکایی ها از او در بارهء حمایتش از طالبان و معلوماتیکه در باره آنها دارد می پرسیدند. وی اظهار داشت "آنها بمن گفتند که تو از طالبان حمایت میکنی و به آنها غذا و سرپناه تهیه میکنی. به همین دلیل ترادستگیر کرده ایم و برای تحقیق و بازجویی بیشتر با خود میبریم"²⁶

مخالفین از خانه های ملکی بحیث پناهگاه و منبع غذا و رهایش استفاده میکنند که این عمل در نتیجه ازدیاد فشار نیروهای بین المللی بالای مخفیگاه های آنها بیشتر شده است. نیروهای بین المللی از این موضوع آگاهی دارند مگر باز هم مایل هستند همه مردان حاضر در خانه مورد هدف را که توان جنگیدن دارند دستگیر نمایند، در حالیکه همه شان متهم به شورش بودن نیستند.²⁷

بسیاری کسانی که بخاطر تهیه غذا و جای به شورشیان دستگیر شده بودند گفتند که چون طالبان در منطقه شان تسلط دارند، آنها چاره دیگری نداشتند. مردی که در اکتوبر 2010 در کندهار دستگیر شده بود گفت " مطمئناً 95٪ مردم به طالبان غذا میدهند. هر کسی به طالبان غذا میدهد بخاطریکه آنها زور دارند. آنها به خانه های مردم مختلف میروند. آنها گاهی از آمدن خود اطلاع میدهند و گاهی بی خبر می رسند".²⁸

مرد دیگر یکی در جریان یک حمله شبانه در ولسوالی غورک کندهار برای 10 روز توقیف شده بود گفت "بشما می گویم که تمامی ولسوالی ما تحت کنترل طالبان است. در آنجا حکومت ویا امریکایی ها وجود ندارند. ما مجبوریم با طالبان در ارتباط باشیم. ما برای رسیدگی به دعوی خویش به محاکم طالبان مراجعه می کنیم زیرا ما از شهر کندهار دور هستیم. طالبان به خانه های مردم میروند و به زور غذای چاشت و شب خود را میگیرند. اگر کسی به آنها غذا ندهد به مشکل مواجه میشود".²⁹

اکثر مردم ملکی در بین دو طرف گیر مانده اند. آنها چاره ای جز معامله با طالبان ندارند ولی این کار سبب مواجه شدن شان با حملات شبانه میشود.³⁰

حملات شبانه مردم ملکی را که معلومات تصادفی در باره شورشیان دارند هدف قرار میدهد در بعضی از قضایا مردم ملکی نه بخاطر تهیه غذا و پناه گاه برای مخالفین، بلکه به سبب تصور نیروهای بین المللی مبنی بر اطلاعات آنها در باره فعالیت های شورشیان توقیف شده اند. روال فعلی بازداشت ها نشان میدهد که عامل بسیاری از حملات شبانه صرفاً جمع آوری معلومات استخباراتی بوده است.

گاهی افراد بخاطری توقیف شده اند که روابط فامیلی و یا قومی خود با مخالفین را حفظ کرده اند ویا در ساحه یی زندگی میکنند که فعالیت های مخالفین در آنجا زیاد است ویا در آنجا از آنها حمایت میشود. بسیاری این افراد بعد از چند روز بدون کدام اتهامی آزاد میشوند ظاهراً بعنوان اینکه روابط سطحی با گروه های شورش داشته اند. تعدد این شکایات نگرانی هایی را بار می آورد که مردم ملکی صرف به سبب شناخت و یا تماس تصادفی با شورشیان هدف قرار میگیرند نه به سبب متهم بودن به اشتراک مستقیم در گروه های جنگجویان.³¹

مصاحبه با مسولین نظامی و تحلیل گران نشان میدهد که بعضی از این عملیات بخشی از ستراتیژی شبکوی به هدف گرفتاری رهبران مخالفین می باشد. چنانچه یکی از مسولین نظامی امریکا که عضویت هیات ارزیابی و صدور اجازه حملات شبانه را هم داشت توضیح داد " اگر نمیتوانید شخص مورد نظر را دستگیر کنید، کسی را بازداشت کنید که او را می شناسد".³²

دلیل دیگریکه میتوان شک کرد که بیشتر حملات شبانه به خاطر جمع آوری معلومات استخباراتی صورت می گیرد، تعداد این حملات است. یک مسؤل نظامی که در حملات شبانه اشتراک دارد به (OSF) گفت که تعداد کمی از قوماندانان متوسط تا بلند پایه طالبان در ساحه هستند و این به هیچ وجه اجرای بیش از 20 حمله (بصورت اوسط) در یک شب را در افغانستان توجیه نمی نماید. او اظهار داشت که اکثر قوماندانان متوسط و بلند پایه طالبان که تا هنوز زنده اند ممکن در پاکستان باشند. مسولین میگویند که نظامیان میدانند افرادی را که مورد حمله قرار میدهند مخالفین نیستند بلکه ممکن در مورد فعالیت های مخالفین چیزی بدانند. این بدان معنی است که جنگجویان پایین رتبه نیزحالا مورد حمله قرار

میگیرند. این موضوع سوالی را مطرح میسازد که آیا این یک دست آورد کافی و ضروری است تا بتواند صدمات فیزیکی و روحی را که از این ناحیه به مردم ملکی دور و پیش وارد می گردد توجیه نماید؟

این توضیحات با مشاجره عده ای از مسئولین نظامی روبرو گردید که با (OSF) مصاحبه کردند. بعضی از تحلیل گران و مشاورین نظامی اذعان کردند که عملیات شبانه مانند گذشته فرماندهان متوسط و بلند رتبه طالبان را ضربه می زنند. آنها ادعا میکنند که تعداد زیاد این فرماندهان باقی مانده اند چونکه مخالفین قوماندانان خود را زود بزود تبدیل میکنند، بمراتب زودتر از تبدیل کردن نیروهای امنیتی افغان. چنانچه یکی از مشاورین سابقه جنرال پتریوس اظهار کرد "امکانات و ذخایر آنها بیشتر از ماست".³³

دستگیری های وسیع و عملیات "تصفیوی" گسترده

بیشتر کسان مصاحبه شونده از حملات شبانه سخن گفتند که در آن واحد چندین حویلی، و بعضا تمام قریه را شامل می گردید. ³⁴ بطور مثال قوت های خاص امریکایی و اردوی ملی عملیات شبانه بزرگی را در ماه اکتوبر 2010 در قریه اتمانزی مربوط ولسوالی قول تپیه و لایت کندز براه انداختند که منجر به دستگیری حدود 80 الی 100 نفر گردید.

(او-اس-اف) در زمینه مصاحبه هایی را با یک تعداد از مردان دستگیر شده انجام داده که فشرده اظهارات و شهادت شان قرار آتی تقدیم میگردد:³⁵

دست های اعضای ذکور خانواده بعد از دستگیری بسته شده و به مسجد قریه برده میشوند. تعداد 80 الی 100 نفر مرد و پسر جوان از ساعت 8 شب الی 3 صبح روز بعد در مسجد قریه در اسارت بسر بردند. شیوه های خاصی بکار گرفته شد تا تعدادی را برای بازجویی در تعمیر پایگاه خاص عملیاتی انتخاب نمایند. یکی از مخبرین آنها که ماسک بصورت داشت بازداشت شدگان را از نظر می گذرانید و اشخاصی را که باید بازجویی می شدند با اشاره انگشت به مامورین نشان میداد. داشتن ریش، شاریدگی لباس در قسمت شانه ها (نمایانگر حمل سلاح) و درشت و خشن نبودن دست ها (نمایانگر دست نداشتن شخص در پیشه زراعت) نشانه های دیگر موثر در انتخاب شخص برای بازجویی بیشتر بودند. بالاخره در ختم پروسه فوق 15 تن را برای بازجویی بیشتر به پایگاه قوای امریکایی بردند که آنها نیز بعد از بازجویی بالاخره آزاد گردیدند.

مقامات حکومت محلی اظهار داشتند که عملیات مشابه شامل بازداشت ها به پیمانیه وسیع در اواخر سال 2010 و اوایل سال 2011 در سایر قریه های کندز نیز اجرا گردیده اند.³⁶

عملیات شبانه دیگری نیز که شامل گرفتاری های گسترده بوده اند به (او-اس-اف)، دفتر ارتباط و سایر ناظرین مستقل گزارش شده اند. بطور مثال:

- نیرو های مشترک آیساف و افغان قرار راپور در یکی از شبهای ماه اکتوبر 2010 به قریه موشان ولسوالی پنجوایی کندهار داخل گردیده مردان و زنان را از هم جدا نمودند. سپس مردها را، که تعداد شان به 50 تا 60 تن می رسید، بخانه جداگانه برده برای بیشتر از 24 ساعت به اتهام همدستی با طالبان مورد بازجویی قرار دادند. در ختم بازجویی تعدادی از این مردان برای پرس و پال بیشتر به میدان هوایی کندهار منتقل گردیدند.³⁷
- بنا بر گزارش یوناما و سازمان مستقل حقوق بشر در افغانستان، نیرو های مشترک آیساف و افغان در ماه دسمبر 2010 عملیات تصفیوی توام با گرفتاری را در قریه شاه ولی کوت و لایت کندهار انجام دادند که طی آن در حدود 100 تن مردان و پسران جوان را بازداشت نموده و برای دو روز متوالی مورد بازجویی قرار دادند.³⁸

دو سازمان نامبرده از گرفتاری و بازجویی بیش از 30 تن از مردان قریه تنگی ولایت کندهار، که تقریباً همزمان با عملیات شاه ولی کوت صورت گرفته بود، خبر داده اند.

مردم ملکی از اینگونه عملیات، که شامل دستگیری های گسترده نیز می باشند، بنام حملات شبانه یاد می کنند در حالیکه مقامات نظامی اکثراً آنها را عملیات تصفیوی می نامند. حملات شبانه به اتکا به راپورهای استخباراتی برای نیل به هدف یا اهداف خاصی اجرا می گردند و برعکس عملیات تصفیوی هنگامی صورت می گیرند که نیروی نظامی بین المللی راپور موثق استخباراتی لازم برای حملات شبانه نداشته و از طریق عملیات تصفیوی در صدد شناسایی جنگجویان و فعالیت های دشمن برآیند. بطور مثال نیروهای نظامی بین المللی از حضور شورشیان در قریه یا محل خاصی و یا استفاده آنها از محل برای ساختن بمب ها و سایر امور نظامی مطلع میشوند، ولی اطلاع دقیق از محل اختفا یا هویت افراد دشمن در دست نمی داشته باشند. در آنصورت ناچارند به عوض حمله به هدف مشخص، جستجو در یک قریه و یا ساحه خاصی را اجرا نمایند. برای این منظور قریه یا ساحه را محاصره نموده راه های مواصلاتی را بسته و تعداد زیادی عساکر را بداخل می فرستند تا به جستجوی خانه بخانه و پرس و جو از اهالی پردازند.

عملیات تصفیوی شاید چند ساعت و حتی چندین روز دوام یابد و یا در جریان روز و یا شب اتفاق بیافتد.³⁹

اینکه کدام نوع عملیات را حملات شبانه و کدام را عملیات تصفیوی بنامیم آنقدر مهم نیست. مهم اینست که راپورهای استخباراتی که این عملیات به اساس آن صورت گرفته دقیق بوده و یا سبب اذیت، آزار و گرفتاری بیجای افراد بی گناه گردیده است.

راپورهای استخباراتی هر قدر گنگ و دارای دقت کمتر باشند عملیات متکی بر آن به همان پیمان غیر دقیق و باعث نقض حقوق عامه بوده سوالات جدی حقوقی و خشم و انزجار جوامع افغانی را بار خواهند آورد. در اکثر موارد عملیات تصفیوی متکی بر استخبارات عام تر بوده و بناً اهداف را مورد پیگرد کمتری قرار میدهند. همچنان واضح نیست که آیا اصلاحات در طرز العمل های تاکتیکی حملات شبانه در مورد عملیات تصفیوی نیز مرعی الاجرا بوده میتواند یا خیر.

نگرانی های حقوقی (قانونی): از دیداد عملیات شبانه خطر هدف گرفتن و گرفتاری ملکی ها را می افزاید

الف) عملیات باید جنگجویان و یا کسانی را که مستقیماً در خشونت ها دخیل هستند مورد هدف قرار دهند.

اجرای اعمالی که فوقاً ذکر گردید احتمال میدهد که نیروهای بین المللی تعریف کلی و نه چندان دقیق خود را از "محاربه" و یا کسانی که مستقیماً در خشونت و جنگ دخیل هستند، دارند که این موضوع سبب هدف قرار گرفتن افراد ملکی، که مطابق به قانون بین المللی باید حفاظت شوند، میگردد.

نیروهای بین المللی حملات شبانه را جز فعالیت های اردو می شمارد، نه پولیس. بنابراین آنرا تابع قانون بین المللی بشری می شمارد. این قانون در حالیکه به اردو حق استفاده قوت نظامی بیشتر نسبت به پولیس را می دهد، حمله به افراد و اهداف ملکی را ممنوع قرار میدهد. این بدان معنی است که نیروهای بین المللی باید چنین عملیاتی را صرف در مقابل اهداف نظامی قانونی، جنگجویان و ملکی هایی که مستقیماً در جنگ دخیل هستند، اجرا نمایند.⁴⁰

بحث هایی در مورد تعریف دقیقی از دخالت ملکی در جنگ (دی-پی-اچ) در جریان است. با وجود این کمیته صلیب سرخ بین المللی (آی-سی-آر-سی) و سایر نهاد های حقوقی بین المللی به این باورند که (دی-پی-اچ) یا دخالت ملکی ها در خشونت به اعمالی اطلاق میگردد که مستقیماً سبب مرگ، جراحت و یا ضیاع دارایی ها گردد.⁴¹ بنا بر تعریف فوق اعمالی که غرض تقویت و پشتیبانی از جنگ، از قبیل سیاسی، مالی و یا تبلیغاتی انجام می پذیرند شامل تعریف (دی-پی-اچ) نمی گردند.

غیر نظامیانی که در مورد شورشیان اطلاع دارند و یا برایشان غذا و سرپناه تهیه می کنند دخالت مستقیم در جنگ ندارند. مطابق قانون بین المللی ایشان در عملیات، بشمول حملات شبانه، مسئولیت داشته و نباید هدف واقع گردند.

اکثر افراد ملکی می گویند که عملاً تهدید و مجبور میشوند تا به یاغیان کمک تهیه نمایند که این دلیل دیگری برای عدم شمول اینگونه افراد به کتگوری دخالت ملکی در جنگ (دی-پی-اچ) می باشد. در چنین حالاتی همکاری با شورشیان به مثابه دفاع از خود بوده و نباید اساسی برای پایمال شدن حقوق کسی گردد.⁴²

حتی اعمالی چون پشتیبانی نقدی یا جنسی از شورشیان که تحت قوانین افغانی جرم شمرده میشوند، نباید به سطح جرایم شامل (دی-پی-اچ) ارزیابی گردند. در چنین مواردی اردو نباید جایگزین مراجع عدلی گردیده به دستگیری ها و بازجویی بپردازد. تعقیب متهمین به چنین جرایمی به عهده مراجع جنایی و عدلی سپرده شده مطابق معیارهای قبول شده اجرا گردد.⁴³

اگرچه معلوماتی که ممکن بعضی افراد ملکی در مورد جابجایی قوت ها و فعالیت های شورشیان داشته باشند در ذات خود دارای ارزش زیادی می باشند، باز هم دارنده آنها را نمی توان متهم به شمول مستقیم در خشونت و جنگ نمود. در اختیار داشتن معلومات به اصطلاح غیر فعال نباید سبب گردد تا مقرر ای برای محکوم نمودن مالک آن در سطح (دی-پی-اچ) ایجاد و اعمال گردد.⁴⁴ افرادی که صرف چنین معلوماتی را دارا بوده و در فعالیت های محاربوی مستقیماً دست نداشته باشند باز هم افراد ملکی شمرده شده و هدف ساختن آنها در عملیات نظامی غیر قانونی میباشد.

مصاحبه با مقامات نظامی و مردم ملکی نشان میدهد که یکی از دلایل عملیات نظامی جمع آوری معلومات استخباراتی می باشد. با وجود این عدم شفافیت در مورد صدور امر عملیات شبانه و طرز اجرای آن ارزیابی اینکه فعالیت های آن چند بار از حد خود گذشته و بعوض جمع آوری اطلاعات به فعالیت های ردیف دوم چون هدف قرار دادن و گرفتاری ها پرداخته، شده است. اینکه در طی تعداد زیاد حملات شبانه و تصفیوی افرادی دستگیر شده اند که ارتباط سطحی و یا معلومات تصادفی در مورد یاغیان داشته اند نگرانی هایی را ایجاد نموده که نیروهای بین المللی با استفاده از قوت نظامی افراد ملکی را نه بخاطر اشتراک شان در محاربه، بلکه صرف بخاطر کسب معلومات استخباراتی و نظامی از اوشان بازداشت مینمایند.

شکی نیست که بازجویی از افراد محارب و حتی ملکی در موارد مربوط به جنایت و آشوبگری باید صورت گیرد ولی مهم اینست که طرق و وسایلی که به این منظور بکار گرفته میشوند باید مصئون و مطابق به اصول مدنی باشد.⁴⁵

نوع و شدت نیرویی که در عملیات شبانه بکار گرفته میشود، خاصاً استعمال کشنده ترین سلاح هایی که در تعلیم نامه های نظامی مجاز می باشند، به هیچوجه برای دستگیری افراد ملکی که در جنگ مستقیماً دخالت نداشته و تهدید فزینی برای نیروهای بین المللی محسوب نمی گردند، ضروری نمی باشد. به عوض آن نیروهای بین المللی باید از راه ها و وسایلی استفاده نمایند که زیان کمتر وارد آورده و در تضاد با معیارهای تحدید استعمال نیرو نباشد.

(ب) بازداشت به پیماناء وسیع دقت در تشخیص مجرمین را از بین برده و منحیث مجازات جمعی تلقی میگردد

در پهلوی مسایل فوق، بازداشت های به پیمانیه وسیع در پی عملیات تصفیوی، نگرانیهایی را در مورد بروز اشتباهات جدی در تشخیص مجرمین اصلی ایجاد مینماید. ایجابات امنیتی گاهی سبب می شوند که عده ای تصادفا و یا در طی عملیات بازداشت گردند، اما عملیاتی که طی آن افراد ملکی، که در خشونت و جنگ درگیر نبوده اند، صرف به منظور بازجویی هدف تعقیب و بازداشت واقع شوند عمل غیر انسانی، سلب غیر قانونی آزادی و مغایر ماده سوم هر چهار پیمان (کنوانسیون) ژنیو دانسته میشود.⁴⁶

مطابق قانون بین الملل بازداشت ها بصورت منفرد صورت می گیرند نه در طی مجازات گروهی، روی حدث و گمان و یا از روی تبعیض.⁴⁷ بازداشت افراد ملکی به اساس محل سکونت، سن، جنسیت، ملیت و قومیت بیجا و تبعیض آمیز و مغایر ماده سوم می باشد که مصرانه خواهان رویه انسانی با افراد ملکی، صرف نظر از تفاوت های نژادی، مذهبی، محل تولد و سایر مشخصات می باشد.⁴⁸

پوشش وسیع عملیاتی، پذیرش اصلاحات مثبت را محدود میسازد

وسعت دامنه عملیات شبانه نه تنها شناخت و پذیرش تاثیرات اصلاحات در عملیات را محدود میسازد بلکه برداشت عموم را از اینگونه عملیات بصورت فزاینده منفی تر میسازد. باوجود مثالهایی که مصاحبه شوندهگان از خانه های که بصورت دقیق هدف عملیات قرار گرفته بودند (به سبب حضور و یا عبور شورشیان در آنها) میدادند، نمی توانستند قهر و غضب خود را به خاطر اینکه احتمالا تمام افراد ذکور ساکن در آنها بازداشت شده بودند، پنهان نمایند که این قهر خوشبینی بخاطر افزایش دقت در هدف گیری و اجرای عملیات را کاملا تحت الشعاع قرار داد.

برای شرح بیشتر مثال مرد ننگرهای ایرا می آوریم که از عملیات شبانه ای که در اواخر 2010 در ولسوالی شیرزاد این ولایت صورت گرفته بود سخن می گفت. به گفته این مرد علاوه بر قوماندان طالب که هدف عملیات بود، تعدادی مردم ملکی نیز در جریان عملیات جان خود را از دست دادند. "راپور آیساف در زمینه دقیق بوده است و شخص مورد هدف یک شورشی بود، اما نصف افرادی که در خانه مورد نظر حضور داشتند ملکی بودند. خانه مذکور متعلق به یک فرد ملکی بود (نه به ملا داود) که افراد طالبان جبرا در آن داخل شده بودند".⁴⁹ شکایت افغان ها بیشتر روی پراگندگی اینگونه عملیات متمرکز است. "اگر من جرمی را مرتکب شده ام، آنها باید با من معامله نمایند. ضرورت به اذیت کردن مادر، خواهر و یا طفل من وجود ندارد".⁵⁰

اکثر کسانی که بخاطر داشتن معلومات در باره طالبان و یا حضور در محل مورد هدف عملیات بازداشت شده اند (ولی خودشان مورد هدف نبوده اند) بداخل یک هفته دوباره رها شده اند. در چنین مواردی مردم ملکی گمان می برند که عملیات بر اساس معلومات غلط استخباراتی انجام یافته، که این موضوع کوشش نیروهای بین المللی برای نشان دادن تلاش های شان برای دقت در عملیات غرض جلوگیری از تلفات و آزار افراد ملکی را بی اثر میسازد.

تلاش های آیساف برای محدود نشان دادن عملیات شبانه، دقت در عملیات و اجرای آن به اساس راپورهای دقیق استخباراتی عموما تحت الشعاع بازداشت های دسته جمعی طی یک عملیات غیر دقیق و بازجویی از تمامی افراد ذکور قریه جات، قرار می گیرند.

در مجموع، ستراتیژی توسعه دامنه عملیات شبانه بصورت قابل ملاحظه ای خشم و انزجار افغانها را برانگیخته است. برداشت کلی جوامع از حملات شبانه اینست که مردم غیر نظامی عمدا هدف قرار گرفته و اذیت میشوند تا از اعاشه و اباته نمودن شورشیان دست بردارند و یا هم اطلاعات در مورد آنها را با نیروهای امنیتی شریک سازند. این موضوع درد سر بزرگی را برای مردم عام، که می دانند مقاومت در برابر خواسته های شورشیان چه عواقبی دارد، ایجاد نموده و آنها خود را پامال شده بین دو قدرت متخاصم می پندارند.

ستراتژی های عملیاتی که مطابق به آن اهداف عملیات به اساس خاندان و یا شبکه های قومی تعیین می شوند مخصوصا آن طبقه مردم را که به نحوی از انحا ارزش های ستراتیژیک کمتری دارند به خشم می آورند. رشته های خانوادگی در افغانستان نهایت قوی و پیچیده اند که بکار گیری آنها برای بازداشت به اساس خانواده خیلی خطرناک است. طوریکه یک ژورنالیست محلی در کندهار اظهار داشت " نیروهای بین المللی باید بازداشت مردم بی گناه قریه جات را به بهانه داشتن روابط خانوادگی با شورشیان متوقف سازند زیرا اگر داشتن چنین روابطی شرط لازم برای بازداشت کسی باشد، آنها ناگزیرند تمام اهالی جنوب را دستگیر نمایند چون هر فرد این مناطق به نحوی با افراد شورشیان ارتباط خانوادگی دارد. فردی که فعالانه در صفوف شورشیان می جنگد عمو، پسر خاله، پسر عمه، برادرزاده یا خواهر زاده من است.⁵¹

آسیب های غیر نظامیان و حسابدهی

آیساف استدلال می کند که حملات شبانه تلفات کمتر غیر نظامیان را در بر داشته، و به این ترتیب طریقه درستی برای کاهش خطر و آسیب به نظامیان را در مقایسه با ستراتیژی نظامی که تکیه زیادی به موضوعات سنتی مبارزه در طول روز دارد، می باشد. در هنگام شب، سربازان از برتری تاکتیکی غافلگیری دشمن، قابلیت دید در شب و دیگر سیستم های نظارتی پیشرفته برخوردار بوده و می توانند بیش از پیش هدف را ببینند. آیساف ادعا می کند که این مزیت تاکتیکی مؤثر بوده و در نایل آمدن به هدف با خطر کمتر آسیب رساندن به نیروهای نظامی یا غیر نظامیان موجود در ساحه کمک زیادی میکند. آیساف استدلال می کند که از طرف شب تعداد کمی از ملکی ها بیرون از خانه میباشند که این خود احتمال آسیب به جانبین را تقلیل می دهد.

با این حال، حملات شبانه مدت طولانی است با تلفات افراد ملکی، بد رفتاری در موقع گرفتاری و یا در بازداشت، و اتلاف دارایی مردم مرتبط است. در بسیاری از مواد تعلیم نامه تاکتیکی آیساف کوشش شده است که با تمرکز بر کاهش تلفات غیر نظامیان به این انتقادات رسیدگی صورت گیرد. اگر چه بسیاری از این مقررات پیشرفت های قابل توجهی نیز داشته اند ولی تلفات غیر نظامیان هنوز هم رخ می دهد، به خصوص در نتیجه سوء تعبیر افغانها که این عملیات را ناشی از دشمنی علیه خود می دانند. علاوه بر این، افزایش در حملات شبانه و هدف قرار دادن گسترده تر می رساند که سالانه هزاران نفر از غیرنظامیان مورد بازداشت قرار گرفته و بعضا مورد شکنجه در زندان های افغانی قرار گرفته و نیز صدمات سنگین مالی و عاطفی به آنها و خانواده های شان وارد میشود.

D. احتیاط بیشتر، تلفات ملکی کمتر

ناظران مستقل، بازداشت شدگان و شاهدان حملات، موارد کمتری مرگ و میر و سوء رفتار را در جریان سال 2010 و نیمه اول سال 2011 گزارش داده اند. نظر به گزارش سال 2009 سازمان ملل متحد 98 غیر نظامی در عملیات جستجو و بازداشت کشته شده اند (اکثرا در حملات شبانه)، که کاهش 18 درصد در سال 2010 را نشان میدهد.⁵² با وجود این نظر به بیانات UN تلفات بسیاری از حملات شبانه بالای غیر نظامیان به نسبت عدم دسترسی به نواحی که حملات شبانه در آنجا صورت میگیرد کمتر از چیزی که هست راپور داده میشود.⁵³ آیساف میگوید که کمتر 1٪ از حملات شبانه سال 2010 تلفات افراد ملکی را در قبال داشته⁵⁴ و همچنان می افزاید که در 80٪ از حملات هیچ گلوله ای فیر نشده (با وجود درخواست های مکرر، هیچ احصایه عمومی برای حمایت از این یافته ها به نشر نرسیده).⁵⁵

برخی از مقررات در دوتا از دستورات تاکتیکی آیساف توجه خاص به محدود کردن صدمه به اموال و املاک در ساحات مورد حملات شبانه و به منظور جبران خساره، موجود است. در حالی که افغان ها هنوز در مورد خسارات مالی شکایت دارند و میگویند که آسیب ها نسبت به قبل شدت کمتری داشته، به طور مثال، شکایت کمتر از منفجر کردن درها و یا تیر اندازی از طریق سقف خانه ها، و صدمه کمتر به اموال و حیوانات وجود دارد. در برخی از موارد افراد قادر به باز یابی

اموال ضبط شده و یا دریافت غرامت برای آن بوده اند که در گذشته به ندرت اتفاق افتاده. با وجود این موارد جبران خسارت به آسیب دیدگان عملیات شبانه کمتر از جبران خسارت برای انواع دیگر حوادث میباشد.

آسیب کمتر به سبب محتاط بودن جامعه افغانی

کاهش تلفات ملکی نه تنها به سبب احتیاط و مراقبت بیشتر آیساف بوده بلکه مدیون اقدامات و احتیاط بیشتر جوامع افغانی نیز می باشد. جوامعی که OSF و TLO با ایشان صحبت داشته اند می گویند که تلاش برای تغییر رفتار خود بمنظور کاهش خطر و خشونت های ناشی از حملات شبانه را آغاز کرده اند. به طور مثال، یک بزرگ قومی از ولسوالی خوگیانی ولایت ننگرهار که شاهد بیشترین حملات شبانه در اواخر سال 2010 بود خاطر نشان کرد: " هرکسی که در جریان عملیات شبانه از خانه بیرون می آید به ضرب گلوله کشته میشود، بنا براین هیچ کس دوست ندارد که با دیدن نیروهای نظامی از منزل بیرون آید.⁵⁶

مرد دیگری از ولایت لغمان گفت که کاکای او توسط چره ها در عملیات شبانه در خانه همسایه زخمی شده بود، اگر چه زخم های کاکای او جدی هم بود، آنها جرئت خارج شدن از منزل به منظور تداوی زخمی و یا حتی جرئت روشن کردن خانه برای پانسمان زخم را نکردند زیرا از تجربه های گذشته آموخته بودند که در چنین حالات مورد هدف قرار خواهند گرفت.⁵⁷ حدود پنج ماه پیش در منطقه ماسیمود نیرو های نظامی آمریکایی نخست یک راکت پرتاب کردند. به تعقیب آن در حدود 12 یا 1 صبح بود که اهالی منطقه از خانه بیرون آمد تا ببینند که چه اتفاقی افتاده ولی به ضرب گلوله کشته شدند. حالا هرکس میداند که هنگام بمبارد در خانه باشند. حال مردم با این قبیل وقایع آشنا شده و می دانند که هنگام رسیدن امریکایی ها باید در خانه های خود بمانند.⁵⁸

E. تلفات غیر نظامیان به تصور قصد خصمانه از جانب آنها، هنوز هم بوقوع می پیوندند

با وجود بهبود وقت در طرز العمل عملیات، هنوز هم تعداد قابل توجهی از غیر نظامیان کشته و مورد آسیب قرار می گیرند. حتی با وجود تلاش های زیادی برای جلوگیری از خطر به غیر نظامیان از این حملات، با افزایش قابل توجه در آنها (به خصوص در زمینه تاکتیک مخفی شدن در میان جمعیت شورشیان)، تلفات افراد ملکی و اشتباه در شناخت مجرم ناگزیر صورت می گیرد. بازداشت یک شورشی احتمالی در یک خانه رهائشی ناگزیر افراد بیگناه ملکی را که در آنجا حضور دارند (بشمول اطفال و زنان) معروض به خطرات عملیات نظامی میسازد. عملیات ممکن سایر افراد محل را که در آن نزدیکی ها بسر می برند در بر می گیرد.

حملات شبانه ممکن وضعیت خصمانه و خاصی را ایجاد کند. وجود سلاح در خانه های افغان ها امر عادی شمرده میشود و زمانیکه افغان ها فکر کنند که مورد حمله قرار گرفته اند از سلاح کار می گیرند. در نتیجه حتی کسانی که در هنگام روز در مقابل حمله و بازداشت شاید مقاومتی نشان ندهند، هنگامیکه در شب مورد حمله مردان ناشناس قرار گیرند به گمان اغلب به جواب حملات و برای دفاع از خود عکس العمل نشان میدهند، که منجر به کشته و زخمی شدن غیر نظامیان می شود. در 12 فیروزی 2010 نیروهای ایالات متحده پنج غیر نظامی، از جمله دو زن و هشت نفر دیگر را در یک حمله در شهر، گردیز ولایت پکتیا بقتل رسانیدند. در این حمله منزل یک پولیس ملی افغان قرار راپوربه منظور بازداشت مهمان او مورد هدف قرار گرفته بود که قبل از حمله آنجا را ترک کرده بود، با رسیدن نیروهای بین المللی باشندگان منزل به شمول مرد پولیس به گمان اینکه مورد حمله قرار گرفته اند از منزل بیرون دویدند.⁵⁹ نیروهای بین المللی بروی آنها آتش کشوده هر پنج تن را همراه با دوزن که در همان نزدیکی قرار داشتند بقتل رسانیدند.

برداشتی که نیرو های بین المللی از عکس العمل مردم و خشونت در مقابل عملیات دارند به پیش گرفته اند احتمال آسیب

خصمانه غیر نظامیان را افزایش میدهد. مقررات و قوانین در نظام ایالات متحده برای نیروها اجازه میدهد تا در دفاع از خود در برابر افرادی که مرتکب اعمال خصمانه (به عنوان مثال شلیک گلوله بر نیروهای نظامی آنان) و یا نشان دادن قصد خصمانه (چیزی کمتر از استفاده مستقیم از زور) می شوند از اسلحهء کشنده استفاده نمایند.

به نظر می رسد که نیروی های آیساف بدون در نظر داشت شرایط پیچیده و ترس آور غیر نظامیانی که خود را تحت حمله می یابند، حرکات خصمانهء ایشانرا بیش از حد موجود تعبیر می کنند. در نتیجه حق استفاده از نیروی کشنده بیش از حد را به خود داده باعث آسیب های غیر ضروری و قابل اجتناب به غیر نظامیان می شود. رفتاری که در شرایط سهل تر بی ضرر به نظر می رسد، به طور مثال خوابیدن در نزدیکی سلاح⁶⁰، فرار از مهاجمین⁶¹ و یا حتی صرفاً برآمدن از خانه در طی یک حمله شبانه⁶² نشانه هایی از سوی قصد در طول حملات شبانه در افغانستان سوء تعبیر شده مسبب استعمال سلاح کشنده میگردد. در جریان یک حمله شبانه در مارچ 2010 دست دراز کردن بطرف تلفون موبایل از سوی یک مرد 81 ساله که در بستر بود، سوء قصد تلقی شد.⁶³

F. صدمات غیر کشنده که گاهی نادیده گرفته می شوند، در حال افزایش اند

بحث ها روی صدمات غیر ملکی ها در جریان حملات شبانه بیشتر بالای مرگ و میر غیر نظامیان متمرکز میگرددند. هرچند باید بخاطر داشت که عملیات شبانه در پهلوی مرگ و میر اثرات بسیار وخیم غیر مهلک را نیز دارا میباشد. جراحات در جریان حملات شبانه غالباً کمتر گزارش داده میشود چون اذهان عامه را کمتر به خود جلب کرده شواهد کمتری از خشونت بدست می دهند.

مضافاً تمرکز بالای تلفات غیر نظامیان در جریان حملات شبانه نباید زیان های ناشی از بازداشت را که منجر به مرگ و یا جرح نمی گردند تحت الشعاع قرار دهد. در جریان سه ماه الی 18 فیروزی 2011 یک هزار و نهصد فرد ملکی توقیف شدند که عده کمی از آنها در ختم این مدت در توقیف باقی ماندند.⁶⁴ رهایی فوری اکثریت بازداشت شدگان ممکن به علت کمبود مدارک بوده باشد نه عدم گناه، و یا ممکن برای اینکه تهدید قابل ملاحظه ای شمرده نشده اند. با توجه به بازداشت های فراوان توسط نیرو های بین المللی مثلاً بازداشت همه مردان یک خانه و یا تعدادی زیادی از افراد در عملیات تصفیوی، چنین مینماید که بسیاری از کسان رها شده آنهاهی هستند که یا هدف اصلی عملیات نبوده اند اما جهت اطلاعات گرفتار شده اند، و یا به دلیل اینکه در زمان و مکان نامناسب در ساحه حضور داشته اند. بنابراین چون شفافیتی در مورد دلایل رهایی و یا در بازداشت ماندن افراد ملکی وجود ندارد، احتمال می رود در میان 1900 تن بسیاری آنها غیر رزمنده بوده باشند.

هرچند شناسایی و رهایی سریع افراد غیر رزمنده علامت مثبتی است اما ارقام بازداشت شوندگان می رساند که ازدیاد حملات شبانه ممکن توقیف هزاران غیر رزمنده را در طی سال در بر داشته باشد. بازداشت شدن یک تجربهء آسیب زا می باشد، خواه این عمل موقتاً در ساحه باشد و یا برای مدت طولانی در پایگاه های نظامی بین المللی و یا در بازداشتگاه های افغانی. سوء رفتار بشمول شکنجه در بازداشتگاه های اداره ملی امنیت افغانستان گسترده انگاشته میشود و قرار معلوم وضعیت در تمام بازداشتگاه های افغانستان بسیار بد است.⁶⁵ بعضی بازداشت شدگان نمی دانند که به کدام اتهام تحت توقیف قرار گرفته اند یا چه وقتی رها خواهند شد. کسانیکه حتی برای چند روز محدود بازداشت می شوند ممکن صدمات قابل توجه مالی را متحمل شود و آنهایکه نسبت فقدان ثبوت جرم از توقیف رها می شوند اغلب مجبور به پرداخت رشوه های هنگفت برای رهایی خویش می گردند.

ترس و عقده های روانی برای اعضای خانوادهء آنهایکه بازداشت می شوند و آنهایکه شاهد حملات هستند قابل ملاحظه است. مرد 61 ساله ای که در اپریل 2010 شاهد یک حمله شبانه در خانه خود بود شرح داد که چطور مردان مسلح ده و یا دوازده مرمی را مستقیماً به سینه پسرش فیر کردند. وی با سه نفر در یک تشنایی که به سختی برای سه تن ایستاده جا داشت پناه برده بودند و بالاخره وقتی که اجازه یافتند تا از حمام بیرون آیند آنقدر ترسیده بودند که از ترس حملهء دوباره جرات نداشتند جسد مرده پسر خود را انتقال دهند. لذا جسد را به همان حالت در اطاق رها کردند تا اینکه فردای آنشب

افراد اداره امنیت ملی جهت تحقیق قضیه سر رسیدند و جسد انتقال گردید.⁶⁶

G. پیشرفت محدود در حسابدهی و شفافیت

افزایش حملات شبانه همگام با تاثیرات سوء آن بالای تعداد کثیر افراد ملکی، که باید شفافیت کامل و مسئولیت پذیری را همراه میداشت، مسایلی که در گذشته دایما نقاط ضعف ISAF نزد مردم بوده است، خاصاً در مورد انجام فعالیت های نیرو های ویژه مانند حملات شبانه. بنا "نیرو های امنیتی بین المللی در سال گذشته سعی نمود تا بطور عموم رسیدگی به شکایات و تلفات ملکی، و بخصوص تلفات ناشی از حملات شبانه را آغاز نماید.

نیرو های امنیتی بین المللی حمایت خود را از پیشرفت کاری کمیته پیگیری تلفات ملکی (CCTC) که در سال 2008 ایجاد گردیده بود همراه با پروسه تحقیقات و گزارش دهی اعلان نمود. همچنان واقعاتی را که از نظر نیرو های امنیتی بین المللی در مورد تلفات ملکی مورد شک قرار داشتند توسط تیم مشترک ارزیابی واقعات (JIAT) که عملکرد پروسه تحقیقات توسط یک جنرال یک ستاره ویا همتای آن ارزیابی میگردید سپرده شد. خصوصاً بررسی قضایای بحث برانگیز و پیچیده که نیاز به بازدید از محل حادثه داشته باشد توسط تیم مشترک ارزیابی واقعات (JIAT) و دولت افغانستان صورت می پذیرد. این ارزیابی شامل مطالعه ابتدائی شواهد در محل حادثه، گفت و شنود ها با نیرو های درگیر و مقامات محلی دولت میباشد.

یک گروه کاری تلفات افراد ملکی در مارچ 2011 ایجاد گردید تا تغییر در پالیسی عملیاتی و تکنیکی را دریافت نماید تا به خوبی بتوانند تلفات افراد ملکی و شکایات آنها را کاهش دهند. در اواخر بهار و تابستان سال 2011، نیرو های امنیتی بین المللی سعی بیشتر برای ایجاد تماس های مداوم با جامعه مدنی جهانی و افغانی را از طریق میزبانی و یا اشتراک در کنفرانس ها نمود تا ملاقات های بیشتری را با نهاد های مستقلی که در مورد دلچسپی و نگرانی دارند، برگزار نماید.⁶⁷

با وجود اینکه این همه گام های مثبت شمرده شده می توانند، پیشرفت برای اصلاح سایر جنبه های حساب دهی ناکام گردیده و وضعیت آن حتی بدتر شده است. نیرو های امنیتی بین المللی کمتر از پیش به نگرانیهای ناظرین مستقل نسبت افزایش تلفات افراد ملکی نسبت به گذشته پرداخته اند. بطور مثال، نیروهای امنیتی بین المللی بیشتر از پیش از همکاری در تهیه شواهد و هویت افراد ملکی متهم به جنگجو بودن، شریک نمودن ویدیو و دیگر شواهد در محل (که قبل بر این در اختیار گذاشته میشدند)، بازنگری یافته های ابتدایی که ظاهراً مخالف شواهد بودند، ویا تهیه گزارش نهایی از نتایج تحقیقات، خودداری نموده علاقه کمتری به همکاری نشان داده اند.⁶⁸

حسابدهی عامه همچنان ضعیف باقی مانده است. با وجود اینکه بیانیه مطبوعاتی در مورد یک واقعه بلافاصله بعد از وقوع توسط رسانه ها به نشر می رسد ولی گزارش کدام تحقیق در مورد تلفات افراد ملکی، پیشرفت آن، نتایج تحقیقات، ویا معلومات پس از رویداد در دسترس عامه قرار نگرفته است.⁶⁹ هنگامیکه رسانه ها خیر از کشتن شدن و یا بازداشت مخالفین را به نشر میرساند و بعداً ها نادرست ثابت میگردد، تصحیح خبر بندرت به نشر رسیده است.

مجموعه تلفات افراد ملکی همیشه در کمیته پیگیری تلفات افراد ملکی درست ظاهر نگردیده تا اعتراف به اشتباه در گزارش مقدماتی صورت گیرد. نیرو های امنیتی بین المللی از فبروری 2011 تا هنوز کدام متن رهنمودی تکتیکی مهم را برای عام به نشر نسپرده است.⁷⁰

موضوع پاسخگویی مخصوصاً" به حملات شبانه بسیار ضعیف است زیرا نیروها یی که مسوول اجرای بیشترین حملات شبانه هستند، نیروهای مخصوص تحت قوماندۀ مرکز (JSOC) به رهبری ادمیرال ویلیام مک کراوین، پابند کمترین شفافیت و حسابدهی در میان نیروهایی هستند که در افغانستان فعالیت دارند.⁷¹ آنها عادت کرده اند که مصاحبه ها ویا ملاقات ها را همراه ناظرین مستقل نپذیرند. با وجود تلاش های مکرر برای ادغام این نیرو به داخل پایگاه نیروهای آیساف، این نیروها کماکان به قوماندانی های مخصوص (U.S.SOCOM) مستقر در تمپه - فلوریدا گزارش میدهند. با توجه به ساختار قوماندۀ علیحده این گروه، با وجود بررسی های مکرر مقامات نیرو های بین المللی قادر نبوده اند تصدیق نمایند که رهنمود های تکتیکی نیرو های امنیتی بین المللی بالای این نیرو ها تطبیق میگردد. اگرچه مامورین نیروی های آیساف تذکر داده اند که آنها تمام رهنمود های تکتیکی نیروی های بین المللی را بشمول گزارش واقعاتی چون تلفات احتمالی ملکی در عمل پیاده نموده اند. با این همه مامورین نیرو های آیساف که در امور پیگیری واقعات و جبران خساره دخیل هستند پذیرفتند که آنها نظارت کامل بالای عملکرد این نیرو ها را ندارند.

بعضی از حملات شبانه توسط سازمان استخباراتی امریکا CIA اجرا گردیده است. با وجود آنکه CIA تعدادی معدودی از حملات شبانه را انجام میدهد، حسابدهی عامه روی اجراءات عملیاتی آن به صفر تقرب میکند.

برعلاوه، اظهار نگرانی در مورد حملات شبانه در ساحه مشکل بوده است زیرا نیروهای آیساف و امریکا دایما بدین باور بوده اند که این عملیات دقیق و موثر بوده است. آنها اطمینان دارند که هدف حملات شبانه بهبود یافته است، بنابراین مایل هستند ادعا های تلفات ملکی را غیر قابل قبول و باور نکردنی جلوه دهند. بطور مثال، بعد از یک حمله شبانه در ماه می 2010 در سرخورد ولایت ننگرهار، طی یک بررسی توسط دولت افغان، ملل متحد، کمیته مستقل حقوق بشر افغانستان (AIHRC) و ناظرین حقوق بشر، همه ایشان به این نتیجه رسیدند که این یک قضیه اشتباه شناخت هویت بوده که منجر به مرگ نه تن از افراد ملکی گردیده است. نیروی های آیساف و امریکا همواره این ادعا را رد نموده و عملیات مذکور را عمل موفقانه نشان داده اند. در چنین موارد این ناراحت کننده است که بررسی های مستقل و با همی توسط چندین موسسه معتبر نتوانسته تاثیر اندکی بالای ارزیابی داخلی آیساف، که اکثراً متکی به اظهارات خودشان بوده نه بر مصاحبه با مامورین دولت و یا شهود عینی، داشته باشد.

به سبب فقدان شفافیت در عملیات های شبانه، اطلاعات در مورد افراد این نیروها که نسبت دخیل بودن در وقوع تلفات ملکی و سایر اعمال ناشایست محکوم به جزای انضباطی می شوند، بندرت در محضر عام تصدیق گردیده است.

موارد کمتر جبران خساره برای حملات شبانه نسبت به دیگر عملیات

با وجودیکه پرداخت جبران خساره در قضایای زیان رسیدن به افراد ملکی در تمام افغانستان بیشتر رایج شده است، اما جبران خساره برای قربانیان حملات شبانه هنوز هم معمول نگردیده است. در بسیار از قضایا، پرداخت جبران خساره

(بیشتر بنام پرداخت برای " تسلیت" ویا "دوطلبانه" یاد میگردد چونکه اینگونه پرداخت الزامی نمیباشد) ، به آنده افراد ملکی پرداخت میشود که بعد از آسیب دیدن شکایت درج نموده اند.⁷² قربانیان حملات شبانه اکثرا میترسند تا پیشنهاد جبران خساره نمایند و یا هم نتوانسته اند به سبب ترس و بعدا به سبب کمبود شناخت در مورد حملات شبانه و نیرو های ویژه و که این حملات را انجام میدهند، هویت آنها را شناسایی نموده و شکایت درج نمایند. کمبود معیارهای رسمی برای جبران خساره به قربانیان بازداشت اشتباهی ویا غیر قانونی، و طور "قبولی تقصیر خویش" توسط نیروهای آیساف سبب میگردد تا ایشان بتوانند پرداخت غرامت به قربانیان حملات شبانه را به تاخیر بیندازند. چنین مینماید که شاید به سبب موقف مصرانه آیساف در ادعای مبنی بر پیشرفت در دقت هدف گیری و تقلیل زیان ها، اکثریت نگرانیها و ادعاهادر مورد حملات شبانه نادرست و بی بنیاد انگاشته شوند.

H. عملیات به هدف "بقتل رساندن" کمتر از "بازداشت نمودن"

مصاحبه های OSF و TLO نشان میدهد که هدف عمده اکثر حملات شبانه جستجو(تلاشی) و دستگیری میباشد. بااینکه، یکتعداد از ماموریت ها خاصا به هدف "بقتل رساندن" نیز صورت میگردد.⁷³ تعدادی از مقامات نظامی تایید نموده اند که تعدادی از حملات شبانه صرف برای بقتل رساندن طراحی میگردد تا دستگیر نمودن، که این حملات در اقلیت قرار داشته و تعداد آن اندک میباشد.⁷⁴

تحت قوانین بین المللی، افراد جنگی باید بصورت قانونی دستگیر یا بقتل رسانیده شوند به شرط آن که تمام اصول قوانین بین المللی بشر IHL در انجام آن رعایت گردد. با این حال ، باتوجه به اینکه تفکیک افراد ملکی و نظامی در افغانستان خیلی مشکل است مشکلات توام با اشتباهات استخباراتی و عدم شفافیت در صدور اوامر حملات شبانه ، نگرانی شدید در مورد ترویج ماموریت های (کشتن) بیشتر از (بازداشت کردن) را بار می آورد.⁷⁵

نگرانی های دولت و جامعه افغانستان

حملات شبانه منازعات را بیشتر از هر تکنیک نظامی دیگر بداخل خانه های مردم می کشاند. حتی اگر در اجرای ماموریت کوشش زیادی جهت جلوگیری تخریبات صورت گیرد نتایج برای قربانیان عملیات بطور باور ناکردنی متجاوزانه و زیان بار خواهد بود. این در حالیست که دولت و جامعه افغانی متداوما" خواستار قطع فوری حملات شبانه گردیده اند. با وجود عدم دریافت پاسخ مثبت ، آنها استدلال مینمایند که باید افغان ها حداقل توانایی کنترل بیشتر و اظهار نظر در اجرای حملات شبانه را داشته باشند. دولت افغان ادعا مینماید که عدم کنترل و آگاهی افغان ها از این حملات شبانه تخطی و نقض حاکمیت ملی آن ها میباشد. دولت افغانستان همراه با جامعه افغانی استدلال مینمایند که هماهنگی بهتر و دخالت افغانها در عملیات سبب کاهش اشتباه در هدف گیری و کاهش حساسیت های فرهنگی میگردد.

از دیر زمانی تا اکنون افغانها شکایت دارند که حملات شبانه همگام با تشدید حساسیت های فرهنگی می گردند، به ویژه داخل شدن به اقامتگاه خانم ها و تلاشی خانم ها توسط مردها که این خلاف عرف و عنعنات آنها میباشد.⁷⁶ این دخول خودسرانه هنگامی بیشتر توهین آمیز میگردد که بواسطه خارجی ها صورت گیرد. افغانها متداوما" پیشنهاد نموده اند که

نیرو های افغان باید رهبری حملات را بعهده داشته باشند زیرا نیروهای افغان به موضوعات فرهنگی و حساسیت های دینی آگاهی کامل دارند. (گرچه ممکن است در صورتی که اجرا کننده عملیات از قوم یا قبیله حریف باشد اعمال خشونت آمیز صورت گیرد).⁷⁷

در پاسخ کوشش گردیده است که از طریق تغییرات در رهنمود های تاکتیکی و سایر تغییرات عملیاتی دولت افغان بیشتر در این پروسه سهیم گردد و همچنان به حساسیت های فرهنگی توجه صورت گیرد. این اصلاحات نتایج چندین جانبه را دارا میباشد بصورت کلی نیروهای آیساف سعی مینمایند تا طریقه اجرای حملات شبانه را مورد بحث قرار دهد و تقاضا های مهمتر افغان هارا که تحدید و یا قطع کامل عملیات شبانه است، نادیده انگارند.

1. نتایج چند جانبه در بهبود نقش و کنترل افغان ها

از شروع سال 2010 تغییرات تاکتیکی در تعدادی از عملیات رونما گردیده است تا به شکایات دولت افغانستان مبنی بر فقدان کنترل و نقش افغانها در موضوع حملات شبانه رسیدگی گردد.

گفته میشود که حال قوماندانان افغان نیز بخشی از این به اصطلاح "کمیته های هماهنگی" که عملیات را براه می اندازند و در پایگاه هوایی بگرام و در میدان هوایی کندهار مستقر هستند، میباشد.⁷⁸ قوماندان و مقامات افغان در این کمیته ها حد اقل 24 ساعت قبل از عملیات شبانه معلومات در مورد حملات را دریافت و مرور مینمایند و صلاحیت این را دارند که یک حمله را مکملا رد نموده و آنرا اجرا نمایند و یا هم تقاضای تغییر پلان حمله را نمایند. بطور مثال، هرگاه این نیرو های افغان ارزیابی نمایند که اجرا این حمله سبب رسیدن نقصان زیاد به مردم ملکی یا سبب خشم آنها میگردد از اجرای آن صرف نظر مینمایند.⁷⁹ هنگامی که پلان یک حمله شبانه تایید گردید، قوماندانان افغان برای هماهنگی بیشتر مقامات کلیدی افغان (مثلا والی) را در جریان قرار میدهند. در بعضی از قضایا (یک تعداد نه تمام آن) هرگاه والی در دسترس نباشد و یا انجام دادن حمله را تایید ننماید حمله صورت نگرفته و لغو گردیده است.⁸⁰ بر علاوه، نیرو های افغان در اکثر حملات شبانه سهیم بوده و رهبری حداقل 25 فیصد حملات را بعهده دارند. این فیصدی با نزدیک شدن انتقال قدرت به نیرو های افغان بیشتر شده میرود.

در حالی که این گام ها بیانگر بهتر شدن همکاری میباشد باز هم مقامات افغان از آن راضی نمیشاندند. مقامات ارشد افغان شامل، شورای امنیت ملی و رییس جمهور کرزی اشکارا و به تکرار استدلال نموده اند که این مشورت ها تا هنوز جواب مقنع و اطلاع درستی از اینکه اگر حملات صورت می گیرند چه وقت، در کجا و چگونه انجام می یابند، به آنها نداده است.⁸¹

با توجه به عدم محبوبیت حملات شبانه در میان مردم افغانستان، برخی از این اعتراضات ممکن است موضع گیری های عوام باشد و مقامات افغان بمنظور منافع سیاسی شان حمایت و موافقه خود از حملات شبانه را واضحا اظهار نمی نمایند.

از طرف دیگر، دلایل قانونی وجود دارد که چرا مقامات افغان ممکن احساس مینمایند که این اصلاحات جوابگوی تقاضاهای شان برای کنترل و تداخل در موضوع نمیشاند. هر چند 25 فیصد این حملات به رهبری افغان ها صورت میگیرد ولی هدف تمام حملات شبانه باز هم تحت کنترل رهبری نیروهای بین المللی انتخاب میگردد. بنابراین، این اصلاحات تاثیر کمتری بالای کنترل تمامی حملات و یا نقش داشتن در اجرا و عدم اجرای حملات میتواند داشته باشد. در میدان های هوایی بگرام و کندهار " کمیته های هماهنگی" تعداد محدود مقامات مورد اعتماد افغان در صدور اجازه و یا رد حملات شبانه دخیل هستند. هر چند قابل تذکر است که این مقامات سهمی در انکشافات اصل پلان ها و یا انتخاب هدف نداشته و اکثرا " کمتر از 24 ساعت برای اظهار نظر در بارهء معلومات اندکی که توسط نیروهای امنیت و همکاری بین

المللی با آنها شریک می‌گردد، دارند. در اینجا همچنان نشانه‌هایی وجود دارد که مقامات افغان در پروسه تایید خود را تحت فشار محسوس نموده و تایید شان از اجرای عملیات داوطلبانه نمی‌باشد. نیروهای آیساف به OSF گفته‌اند که هنگامی که آنها غرض اطلاع در مورد عملیات شبانه به والیان افغان تماس می‌گیرند، والیان اکثراً "از ایجاد تماس خودداری مینمایند." 82

بلاخره، مقامات محلی، آنهایی که معروض به خطر مواجهه با خشم جوامع متاثر می‌باشند، به ندرت قبل از انجام عملیات اطلاع داده میشوند، چه رسد به حق اجازه و یا رد آن.

ل. لزوم تماس و تشریح معلومات با مردم محل

در حالی که هماهنگی در سطح بالا تا حدودی بهبود یافته است (نه به آن پیمان که افغانستان خواستار آن میباشد) با آنهم تاکنون فعالیت‌های چشمگیری پیرامون تماس با مردم صورت نگرفته است. جامعه افغانی اغلب استدلال مینماید که مشورت‌ها و مذاکرات متعدد با رهبران محلی، اعم از رسمی و غیر رسمی، زمینه‌ساز رفع کشمکش‌ها با جوامع محلی و در نتیجه بازداشت مظنونین شورشی از طرق صلح‌آمیز تر میگردد. کمترین تقاضای جوامع دسترسی به اطلاعات پس از حمله، توجیه آیساف و محل نگهداری بازداشت‌شده‌گان میباشد.

تغییر مهمی که در این راستا در پالیسی رسمی بمیان آمده اینست که در یک ماده رهنمود تاکتیکی توصیه شده است که نیروهای بین‌المللی هنگام ترک محل عملیات، معلوماتی در مورد افراد بازداشت‌شده و نیز طرق اعاده اموال و دارایی مصادره‌شده‌شان برای مردم باقی‌بگذارند. مفاد این ماده بالاخره در ماه دسمبر 2010 واجب‌الاجرا گردید که در نتیجه بصورت لازم عملی شده نتوانست. 83 هر چند OSF در چندین دوره اوراق معلوماتی راکه نیروهای بین‌المللی می‌گذاشتند جمع‌آوری نموده بررسی مینمودند دریافتند که این اوراق گهگاهی غیر قابل خواندن و یا حتی سفید میبود. در بسیاری از موارد مصاحبه‌کننده‌گان ابراز نمودند که نیروهای بین‌المللی بعد از دستگیری هیچ اوراق معلوماتی را بجا نگذاشته‌اند. شاید در نتیجه این چنین اعمالی جوامع مکرراً "به OSF و TLO شکایت نمودند که آنها هیچ راهی برای رساندن شکایات‌شان یا پیدا کردن معلومات در مورد کسانی که بازداشت‌شده‌اند ندارند.

شیوه‌های آگاهی و تماس با مردم که در سطح محلی توسط قوماندانان برقرار گردیده توانسته است به بعضی تقاضای جامعه برای مشوره‌های متعدد جواب مثبت بدهد. بطور مثال تعدادی از قوماندانان و جوامع گزارش داده‌اند که جرگه‌ها و اجتماعات پس از حمله شبانه بحث برانگیز برگزار شد تا معلوم شود که چه اتفاق رخ داده است – که این یک گام مثبت میباشد.

در چند مورد، بزرگان جامعه به OSF و TLO گفته‌اند که نیروهای بین‌المللی عملیات را قبل از اجرای آن بصورت مشترک و در هماهنگی کامل با مقامات محلی برنامه‌ریزی کرده‌اند. بطور مثال، قرار گفته‌دو تن از بزرگان ولسوالی دهراد – ولایت ارزگان در شروع سال 2010 حملات شبانه باعث خشم شدید مردم گردید. اما بعد از ماه فبروری 2011 نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا گفتگو و مشوره‌ها را قبل از اجرای عملیات با جرگه محلی در مورد افراد مظنون انجام میدهند. 84 قرار ادعای بزرگان این هماهنگی سبب دقت در حملات و تقلیل شکایات مردم شده است.

به همین ترتیب، یکتن از ده‌اقلین ولسوالی پنجوایی ولایت کندهار در مارچ 2011 ضمن مصاحبه‌ای گفت که حالا نیروهای بین‌المللی در جریان حملات پولیس افغان و یا هم بزرگان منطقه را با خود همراه داشته‌میباشند که این روند توانسته است سبب کاهش افواها و معلومات زیان‌آور گردد. 85 او همچنان تذکر داد که این هماهنگی‌ها زمینه را برای فامیل‌ها مساعد ساخته است تا در مورد اعضای بازداشت‌شده فامیل‌های‌شان معلومات دریافت نمایند که این یک گام مثبت میباشد.

در بعضی ساحاتی که قبل یا بعد از حملات مشورت های گسترده تری با جوامع محلی صورت گرفته - OSF و TLO گزارش هایی را مبنی بر دقت و اجرای بهتر عملیات دریافت نموده اند. در مقابل در ساحاتی که هماهنگی محلی وجود ندارد OSF و TLO شکایات مشابه را در مورد عدم هماهنگی که منجر به بروز اشتباهات استخباراتی میگردد دریافت مینمایند. این نشان میدهد که تماس و مشورت های محلی ممکن یگانه عامل مقابله با خشم نسبت به این حملات باشد.

K. سایر نگرانیهای جامعه افغانی:

شکایات اندک راجع به زنان، قدردانی حضور بیشتر نیروی های افغان

طی دو رهنمود اخیر عملیاتی نیز کوشش گردیده تا به انتقادات جامعه افغانی مبنی بر اینکه حملات شبانه از طریق دخول بی اجازه به حریم مردم، تلاشی نمودن زنان یا اطاق شان توسط عساکر ذکور، استفاده از سگ ها (که در کلنور افغان ها حیوان نجس شمرده میشود) در هنگام تلاشی و یا تلاشی ناگهانی منازل مردم توسط نیروهای خارجی، به مذهب و کلنور افغانی تعرض نموده⁸⁶، رسیدگی صورت گیرد.

یک پاسخ کلیدی برای این انتقادات از دید اشتراک نیروهای افغانی در عملیات شبانه بوده است که ظاهراً به پیمانهای وسیع عملی گردیده است.⁸⁷ بسیاری از شاهدان عینی گزارش داده اند که نیروهای افغانی در تلاشی ها و حملات شب هنگام حضور داشتند و میگفتند که رفتار و برخورد با مردم از سبب حضور این نیروها در مطابقت با کلنور افغانی بوده است.

قرار اظهار یک محقق محلی حضور داشت نیروهای امنیتی ملی افغانی شانه به شانه با نیروهای بین المللی هنگام تلاشی ها و حملات شبانه میتواند عامل مهمی در کاهش قهر و خشم مردم عام باشد. " آنها در اوقات تلاشی و عملیات شب هنگام به مردم دلسوزی و همدردی نشان میدهند و احساس خصمانه مردم را کاهش میدهند".⁸⁸

یک زمیندار باشنده ولایت ننگرهار که خانه اش در سال 2009 تحت حملات شبانه قرار گرفته بود می گوید "اکنون چنین عملیات توسط نیروهای اردوی ملی، پولیس ملی، و ریاست امنیت ملی افغان راه اندازی میگردد. آنها برخورد و رفتار حسنه با مردم دارند و هنگام تلاشی اولاً اجازه گرفته و سپس در منزل کسی داخل می شوند".⁸⁹ بعضی مردم معتقدند که عساکر افغان در شناخت، تفکیک و جدا کردن مردمی که نیاز به توجه خاص دارند (خانم ها، اطفال، سالخوردگان، مریضان یا معیوبین) مهارت بیشتر دارند.

سربازان همچنان در عرصه جدا کردن خانم ها و اطفال از مردان در جریان تلاشی و عملیات شبانه توجه بیشتری را داشته اند. بعضی اوقات تیم های طبقه انانث نیروهای بین المللی توظیف شده اند تا خانم ها را تلاشی نموده و یا با ایشان صحبت نمایند.⁹⁰ در مصاحبه هایی که بخاطر این راپور تنظیم گردیده بود، در مقایسه با مصاحبه های قبلی تعداد کمتری از افغانها در رابطه به بی حرمتی خانم ها شکایت نموده اند که نمایانگر پیشرفت قابل ملاحظه در این عرصه میباشد. هر چند هیچ کسی حضور افراد طبقه انانث را در جریان عملیات ملاحظه ننموده است.

رهنمودهای تاکتیکی همچنان پالیسی را پیشنهاد مینماید که مطابق به آن قوای بین المللی باید در شروع هر تلاشی یا عملیات از عمل یا علامت هشدار دهنده و خبرداری استفاده نمایند. این بخاطری طرح گردیده که به مردم فرصت بدهد تا از منازل شان بطور صلح آمیز و آرام بیرون آمده و احساس بد شکستن دروازه ها و داخل شدن در خانه های مردم را از اذهان مردم دور نمایند.

قوای ISAF ادعا میدارند که این پالیسی در هر یک از حملات و یا تلاشی ها مراعات شده است ولی افغانها می گویند که صرف در معدودی از عملیاتی که که توسط دفتر ارتباط و OSF بررسی گردیده آواز هشدار قبل از عملیات را شنیده اند. این

خود نشان دهنده آنست که پیشرفت بیشتر در این زمینه از طریق تکرار هشدار در هر عملیات و یا تغییر شکل آن بطوری که تمام افغان ها آنرا دانسته و بشناسند، متصور و ممکن است.

در جواب به شکایات افغانها مینی برنایسند بودن حضور سگ ها در عملیات، راه های بکارگیری سگ ها در رهنمود های تاکتیکی محدود تر شد ولی کاملاً متوقف نگردید. مردم تا هنوز هم راپورهای وجود سگ ها در هنگام تلاشی های ناگهانی را میدهند و اینکه بعضی اوقات آسیب و خسارات را به اموال و دارایی مردم وارد میکنند و دایماً اسباب خشم و عصبانیت مردم را فراهم می نمایند.

لزوم شفافیت و حسابدهی نیروهای افغان

گرچه حضور گسترده تر نیروهای افغان در هنگام عملیات و تلاشی های شبانه پاسخ مناسبی به خواسته های مردم ویک پیشرفت و بهبود کلی می باشد، ولی به این معنی نیست که بکار گرفتن نیروهای افغانی در عملیات، قسمیکه در راپور آخری دفتر ارتباط و OSF ذکر شده، حلال همه مشکلات موجود می باشد.⁹¹ در طی پژوهش یا تحقیق برای راپور پیشین و راپور فعلی، شکایات مصرانه در مورد نیروهای افغان حاکی از اینکه در زمان تلاشی ها و عملیات شبانه اموال مردم را دزدیده⁹² و یا خود مرتکب بد رفتاری میگردند، وجود داشته. مردم افغان پیشنهاد دارند که نیروهای افغانی باید مسئولیت عملیات و تلاشی های شبانه را بدوش داشته باشند مشروط به اینکه از اعمال و فعالیت های خویش حسابدهی نیز داشته باشند.

بنابر اطلاع OSF و دفتر ارتباط در عرصه تضمین حسابدهی نیروهای افغان تا حال کدام تلاش صورت نگرفته است و حسابدهی نیروهای امنیتی ملی افغان وسیعاً کم دوام و ضعیف مانده است.⁹³ مصاحبه دهندگان مکرراً پیشنهاد کرده اند که نیروهای بین المللی کوشش ورزند تا مسئولیت پذیری نیروهای افغانی را در عملیات و تلاشی های ناگهانی شب هنگام را تضمین نمایند.

افغانها همچنان عدم مسئولیت پذیری ملیشیایی را که در عملیات سهم می گیرند انتقاد می نمایند. در راپور قبلی OSF و دفتر ارتباط شکایاتی در مورد بد رفتاری به اصطلاح قوت های کمپاین یادداشت کردند. این نامی است که مردم به قوت های نامنظم ملیشیا که برای تقویه نیروهای نظامی و استخباراتی بکار برده میشوند، داده اند. با وجود اینکه راپورهای کمی از اشتراک این نیروها در عملیات شبانه در دست است ولی بکارگیری آنها بکلی منتفی نشده است. با ازدیاد نیرو های غیر منظم تحت پشتیبانی دولت، بشمول قوت های تحت امر استخبارات و یا پروگرام های رسمی تری چون پولیس محلی افغان (ALP) طیف وسیعتر گروپ های مسلح به تنهایی و یا همراه با نیروهای آیساف در عملیات دخیل میگردند.⁹⁴

ماهیت ملیشه های غیر رسمی و شرکت های خصوصی امنیتی به این معنی است که زمانیکه یک ماجرا یا حادثه به میان می آمد، مسئولیت پذیری آنها مشکل تر بود. و همانگونه پولیس محلی که جدیداً ایجاد گردیده اند به آسانی مسئولیت را بدوش نمی گرفتند.⁹⁵ این نیروها مایلند با نیروهای خصوصی عملیاتی امریکایی از نزدیک کار نمایند، لهذا جوامع محلی و بعضاً پولیس ملی آنها را به چشم نیروهای فوق حسابدهی می بینند.

L. ناکامی در یافتن بدیل برای عملیات شبانه

اکثریت اجتماع افغانی، OSF، TLO، و موسسات حقوق بشر، استدلال دارند که ISAF بایست بجای کوشش برای پذیرفتنی ساختن عملیات شبانه، در صورت امکان راه های بدیل برای بازداشت ها را بیابند. بازداشت ها از طرف روز در مناطق تحت کنترل کامل دولت افغانستان منحصرأ مناسب به نظر میرسد و مطابقت بیشتر با طرز العمل اجرای قانون دارد. ISAF می گوید طرفدار اینست که وقتی قوماندانان درخواست اجازه عملیات شبانه می کنند، باید ملاحظه نمایند که آیا بدیلی برای آن موجود است.⁹⁶ با وجود این وقتی دفتر ارتباط و OSF در مجالس و مواقع مختلف از صاحب منصبان

نظامی پرسیدند تا یک مثال را در رابطه به اینکه آنها کوشش دریافت راه های بدیل را نموده اند ارایه نمایند، آنها همچو مثالی را نداشتند.

مامورین آیساف که مسئول تحلیل درخواست های اجازه حملات شبانه هستند قبول دارند که تعداد کمی از درخواست ها رد شده اند که این خود عدم دقت کافی در ارزیابی ضرورت اینگونه عملیات را می رساند. در بعضی موارد شاهدان عینی و یا نیروهای بین المللی راپور داده اند که عملیات تا سپیده دم یا تا اذان نماز صبح معطل شده اند تا صرف بنام عملیات روزانه شمرده شوند.

قوای ISAF استدلال مینمایند که عملیات شبانه را به خاطری ترجیح میدهند که بازداشت از طرف روز خطر مقاومت قوی از طرف شخص مورد هدف و یا دیگر افراد منطقه را، که احتمالا منجر به خشونت و خون ریزی خواهد گردید، افزایش میدهد و سبب صدمه رسیدن به نیروهای خارجی و غیر نظامیان خواهد شد.⁹⁷ گرچه مقاومت شدید از طرف روز واقعا امکان دارد ولی قوای ISAF با وجود درخواست های مکرر از ایشان، تا بحال کدام شواهدی ارائه نکرده اند که در گذشته به چنین مقاومتی روبرو شده باشند. پولیس ملی افغان و ریاست امنیت ملی در جریان روز منظمًا به توقیف افراد می پردازند بدون اینکه به کدام مزاحمت و مقاومت عمده روبرو گردند.⁹⁸

اکثرا کسانی که بازجویی شده اند افراد شناخته شده و بعضا در ارتباط قوی با دولت و نیروهای نظامی بوده اند که می شد از طرق مسالمت آمیز تری بازداشت شوند. در دو مثال عمده از این نوع از دو ژورنالیست الجزیره که در ماه نوامبر سال 2009 در جریان دو عملیات جداگانه شبانه توقیف و بازداشت گردیده بودند ذکر گردیده.⁹⁹ قوای ISAF ادعا نموده که ژورنالیستان الجزیره پای از حیطه و وظیفوی خود فراتر نهاده اند، و بعوض مصاحبه با طالبان (قسمی که همه ژورنالیست ها انجام میدهند) آنها را کمک میکردند. الجزیره استدلال داشت که حتی اگر فعالیت های این افراد برای (ISAF) سوال برانگیز بود لازم نبود که فامیل های شان بشمول زنان و اطفال هدف حملات شبانه قرار داده شوند.

هر دو ژورنالیست جواز مطبوعاتی راجستر شده ء ISAF با خود داشتند که آنها را دسترسی و اجازه منظم دخول به مراکز نظامی ISAF غرض اشتراک در کنفرانس های مطبوعاتی و یا بنا به دعوت افسران مطبوعاتی آیساف داده بود. چنانکه ژورنالیستی که در ولایت غزنی توقیف گردیده بود چنین میگوید: "من با نیروهای امریکایی به هر ولسوالی سفر کرده ام... بعضی اوقات نیرو های بین المللی ما را به بخاطر کار های جزیی دعوت میکردند و ما حتی اگر رفتن به آنجا پر از خطر هم می بود (مثلا به پایگاه پی آر تی) باز هم میرفتیم". شخص مذکور گفت، اگر آنها من را برای گفتگو، حتی از طرف شب، دعوت می نمودند بخوشی می پذیرفتم و نزد شان می رفتم.¹⁰⁰

ناکامی در یافتن راه های مسالمت آمیز تر از دخول جبری برای بازداشت ها¹⁰¹ برای اکثر افغان ها که زندگی خود را نسبت حملات شبانه پیوسته در خطر می بینند، کاملا نا مفهوم است. در ماه نومبر سال 2009 یک عملیات دیگر که از طرف شب در ولایت غزنی راه اندازی شده بود (وتوسط ژورنالیست آنند گوپال ثبت گردیده) نیروهای خارجی منزل یک مامور دولت را در عملیات شبانه هدف میگیرند که در نتیجه دو نفر از اعضای فامیل وی کشته و دو نفر دیگر ایشان توقیف گردیدند. خارجی ها نمیتوانستند که شخص مذکور را بدون کدام مشکل از طرف روز با در نظر داشت طرز العمل توقیف و بازداشت با خود ببرند. آقای قرار یکی از اقارب فامیل می پرسد "آیا آنها باید پسر کاکای من را می کشتند؟ آیا باید منزل ما را از بین می بردند؟" و افزود " آنها می دانستند که رحمن در کجا کار می کند. آیا آنها نمیتوانستند که حد اقل از طرف روز با یک ورقه بازداشت می آمدند؟ ما رحمن را وادار می ساختیم تا با ایشان برود.¹⁰²

نگرانی های حقوقی:

قانون بشردوستانه بین المللی خواهان شناسایی متبادل های کم ضرر

تحت قانون بشردوستانه بین المللی (IHL) تمامی اقدامات احتیاطی باید در مرحله پلانگذاری و اجرای عملیات نظامی در نظر گرفته شود تا رسیدن زیانها به افراد ملکی متوقف شده یا به حد اقل برسد.¹⁰³ اجرای عملیاتی که اهمیت دستاورد آن متناسب به زیان های ملکی ناشی از آن نباشد، غیر قانونی بوده و باید فوراً متوقف گردد و یا به تعویق افتد.¹⁰⁴ زمانیکه بین مقاصد نظامی حق انتخابی وجود داشته، هدفی باید انتخاب گردد که ضامن حد اقل تلفات ملکی باشد.¹⁰⁵ خسارات جانبی به افراد ملکی در جریان عملیات توقیفی، چه در شب و یا در جریان روز، یک امر اجتناب ناپذیر است لیکن در صورتیکه بدیل کم زیان تر دیگری که در عین زمان دست آورد و زندگی نظامیان را بخطر مواجه نسازد موجود باشد، باید بکار گرفته شود.

یک سلسله ملاحظات مهمی در متن قانون بشرووجود دارد که گرچه تطابق آنها با قانون بشردوستانه بین المللی واضح نیست، ولی در شرایط درگیری های مسلحانه نیز بکار گرفته میشود.¹⁰⁶ در حد اقل قانون حقوق بشر رهنمود های مهمی را در مورد دستگیری و توقیف افراد ملکی در جریان درگیری های مسلحانه داخلی بشمول جنگ جاری در افغانستان و عملیات نظامی در جاهای دیگری که قوای امنیتی کنترل کامل دارند، مانند مناطق اشغالی دول متحارب مهیا میسازد.¹⁰⁷ در چنین موارد، قانون حقوق بشر در رابطه به عملیات وابسته به اقدامات تطبیق قانون الزامی بوده مستلزم تکنیک های متبادل، رعایت قوانین درگیری و معیارهای جداگانه برای استفاده قوا میباید.

در بعض حالاتی که شاید روش های دیگری برای توقیف وجود نداشته باشد، عدم استفاده از موارد متبادل ساده چون دعوت نمودن خبرنگاران تلویزیون الجزیره به یک پایگاه نظامی، کاری که در سابق نیز صورت میگرفت پرسش های حقوقی را بر می انگیزد که آیا نیروهای آیساف و اکثراً نیروهای عملیات خاص بطور سیستماتیک مسولیت های خود را در قبال کاهش خطرات به افراد ملکی در هنگام حملات شبانه نادیده میگیرند؟

M. عواقب نادیده گرفتن تقاضاهای افغان ها برای کاهش و یا توقف عملیات شبانه

باوجود اقدامات قابل ملاحظه در زمینه پرداختن به نگرانی های مردم و دولت افغانستان، طرز دید افغان ها در مورد حملات شبانه به شکل قابل توجه منفی میباشد. قسمیکه در بالا توضیح گردید یکی از دلایل این امر سستی در رسیدگی به بعضی وقایع جنجال برانگیز میباشد. دولت افغانستان به این عقیده است که اصلاحات کافی در پروسه صدور مجوز برای حملات شبانه بمیان نیامده است. جوامع افغانی هنوز هم تشویش دارند که عناصر مورد اعتراض شان در حملات شبانه، از قبیل تجاوز افراد بیگانه به حریم شخصی شان، استفاده از سگ ها و بی اطلاعی مردم در مورد سرنوشت عزیزان شان هنوز هم بشکل سابق آن باقی مانده.

اما توضیح قابل ملاحظه برای انزجار مردم از عملیات شبانه عدم موثریت روش های کوچک عملیاتی و تاکتیکی نیست بلکه عدم جستجوی بدیل برای عملیات شبانه توسط آیساف میباشد. با نادیده گرفتن تقاضاهای وسیع برای کاهش حملات شبانه، نیروهای آیساف فقط به علائم مرض پرداخته اند، نه به خود آن. تا زمانیکه این موضوع اساسی حل نگردد حتی مراعات تمامی مسابلی که باعث حساسیت های کلتوری و مذهبی شده نخواهد توانست تا حمایت افغان های عام را در مورد حملات شبانه بدست بیاورد. صرفنظر کردن از استفاده از سگ ها و تلاشی زنان افغان توسط زنان خارجی نسبت به گذشته بطور چشمگیری بهبود یافته و شاید باعث کاهش شکایات مشخص درین زمینه گردد لیکن نمیتواند که بدیل مناسبی برای اولویت افغان ها مبنی بر اینکه حملات شبانه فقط منحیث یک اقدام استثنایی مورد استفاده قرار گیرد، محسوب گردد.

دولت افغانستان نیز طرز دید متفاوتی نسبت به همکاران بین المللی خود از حملات شبانه دارد. ضدیت مقامات بلند پایه افغان بشمول رئیس جمهور کززی در مورد حملات شبانه درین اواخر به منتهای درجه خود رسیده است. طرح انتقادات موکد از طرف مقامات افغان بالای ایالات متحده امریکا بر حملات شبانه هم در مجالس خصوصی و عمومی حیثیت یک درخواست رسمی حکومت را بخود گرفته است. این قسماً نتیجه نا امیدی مکرر در اثر عدم هماهنگی عملیات بوده است اما همچنان بطور وسیع نشان دهنده کاهش حمایت از ستراتیژی نظامی ایالات متحده امریکا میباشد، زیرا که مقامات افغان خواهان تشدید فشار بالای پاکستان برای بستن پناهگاههای امن شورشیان و تلاش برای یافتن یک حل سیاسی می باشد. درین

زمینه سنگینی تلفات مردم عام در جریان حملات شبانه برای رهبران افغان بسختی قابل توجه می باشد. کنترل بیشتر و دخیل بودن در مرحله اجازه دهی حملات شبانه برای رفع نگرانی های دولت افغانستان، که معتقد است مرکزی شمردن حملات شبانه در پالیسی جاری نظامی افغانها را در مسیر غیر قابل قبول قرار می دهد، به هیچوجه کافی نیست.

نتیجه گیری و پیشنهادات

از ماه فبروری ۲۰۱۰ بدینسو یعنی هنگامی که TLO و OSF اولین قسمت از مطالعات خود را در مورد حملات شبانه منتشر نمودند، تغییرات تاکتیکی و عملیاتی شامل در دو رهنمود تاکتیکی و سایر رهنمود های موقتی بسیاری از مخالفت های افغانی با عملیات شبانه را رسیدگی نمود. اجراءات حملات شبانه بهبود یافته، تلفات ملکی، بدرقاری در هنگام دستگیری و تخریب شدید اموال کاهش یافته. انتخاب اهداف دقت بیشتری یافته است. نیروهای افغان بیشتر در حملات شبانه دخیل هستند که این خود سبب جلوگیری از افزایش نگرانی ها، سوء تفاهات و تخلفات فرهنگی گردیده است. در این مدت گزارشات حاکی از مزاحمت به خانم ها در حملات شبانه نیز کاهش یافته است.

در حالیکه این بهبودی ها با اهمیت می باشد هزینه حملات شبانه افزایش یافته و دستاورد آن (کاهش حملات شورشیان) تاحال بظهور نرسیده است.¹⁰⁸ شواهد نشان می دهد که افزایش چشمگیر در حملات شبانه و سایر عملیات که ممکن بیشتر افراد ملکی را غرض جمع آوری شواهد استخباراتی هدف قرار دهد، تحمل این عملیات را برای افغانها مشکل ساخته است. برداشت خصمانه افغان ها از حملات شبانه اگر بیشتر نشده باشد، کمتر نشده است. خشم ناشی از حملات شبانه نه تنها سبب خیره ساختن کوشش های قابل توجه برای بهتر شدن حملات شبانه می گردد بلکه بالای تمامی کوشش ها و شناخت ISAF و نیرو های ایالات متحده امریکا که تا حال سعی برای کاهش تلفات ملکی و کاهش نگرانی های افغان ها را نموده اند، اثر می گذارد. این موضوع کوشش هایی را که برای ایجاد اعتماد افغان ها بالای دولت تحت الحمایه جامعه جهانی افغانستان به سطح ملی و محلی جریان دارد، کمرنگ می سازد.

این موضوع تا به سطح استراتژیک افزایش یافته است که به طور جدی روابط طویل المدت ایالات متحده امریکا را با دولت افغان تضعیف مینماید. ریس جمهور حامد کرزی متداوماً با الفاظ تند در مقابل مردم بالای نیروهای بین المللی تاخته است و خواستار توقف جدی عملیات شبانه و حملات بالای منازل افغان ها گردیده و نیرو های بین المللی را به عوض دوست و هم پیمان به متجاوزین تشبیه نموده است.¹⁰⁹ قرار معلوم کرزی مکرراً این خواسته را مساله کلیدی برای حاکمیت کشور میداند و توقف حملات شبانه و یا حد اقل کنترل بیشتر این حملات توسط دولت افغانستان تاثیرات قابل توجه در مذاکرات همکاری های طویل المدت استراتژیکی خواهد داشت.¹¹⁰

با توجه به عدم شفافیت ارزیابی کمپاین فعلی برای حملات شبانه از نقطه نظر عوام یک امر مشکل می باشد. مقامات نظامی ایالات متحده امریکا و ISAF حملات شبانه را موفق ترین تاکتیک در سال گذشته میدانند و توقف آنرا یک مشکل پنداشته سبب ازدیاد قابل ملاحظه حملات شورشیان می دانند. با این حال تا اکنون هیچ مدرکی که این ادعاها را ثابت سازد پیشکش نگردیده است و با وجود ازدیاد حملات شبانه، حملات شورشیان نیز به همان پیمانانه افزایش یافته است. 111

اما بالفرض هرگاه این حملات شبانه قرار گزارشها دستاورد هایی هم داشته باشد دیگر برای مردم و دولت افغانستان قابل تحمل نمیباشند. تغییرات تاکتیکی و عملیاتی در مورد حملات شبانه که سال قبل وضع گردید هر چند قابل ملاحظه بوده ولی نتوانست نارضایتی کلی را برطرف نماید. اگرچه گروه های افراطی شبه نظامی تهدید بزرگی برای حقوق بشر و امنیت در افغانستان میباشند اما ارزش انسانی، سیاسی و استراتژیکی که راپور هذا به تصویر کشیده این سوال را در ذهن انسان خلق مینماید که آیا اعتماد مفرط بالای حملات شبانه موثرترین استراتژی طولی المدت برای رفع تهدید شورشیان میباشد؟

پیشنهادات برای نیروهای ایالات متحده امریکا و ISAF

1. حملاتی را که میان جنگجویان و غیر نظامیان فرقی نمی گذارد قطع نمایید، یقین حاصل نمایید که حملات شبانه، که عملیات نظامی هستند، صرف روی جنگجویان و یا افراد ملکی که مستقیماً در جنگ سهم دارند اجرا گردد. حملات شبانه را ارزیابی نمایید تا متیقن گردید که این حملات افراد ملکی را هدف قرار نمی دهند.
2. متیقن سازید که حملات شبانه مخصوصاً عملیات بازداشت جمعی در شب افراد را به اساس اتهام جنگجو بودن آنها هدف قرار میدهد نه به اساس سن، جنسیت، ملیت، قومیت، روابط قومی و یا موقعیت جغرافیایی زیست آنها.
3. یقینی سازید که حملات شبانه و سایر عملیات بحیث بدیلی برای تعقیب جرمی و یا سایر روش های جمع آوری اطلاعات استخباراتی بکار گرفته نمی شوند. مطمئن گردید که عملیاتی که به هدف بازداشت افراد غیر محارب اجرا میشود در مطابقت با ستندرد های استعمال قوه در تنفیذ قانون صورت گیرد.
4. مواد شامل در رهنمود های تاکتیکی را با در نظر داشت جستجوی راه های بدیل برای بازداشت افراد، عملی نمایند. بازداشت هایی که از طریق مجاری عادی تنفیذ قانون اجرا می گردند در ساحاتی ترجیح داده میشوند که دولت در آن تسلط قوی داشته و یا مراجع افغان ظرفیت کامل بازداشت های منظم برای انفاذ قانون را دارا باشند.
5. رهنمود های موجود برای عملیات شبانه را که اجرای آن منجر به کاهش تلفات ملکی و بهبود عملیات شده است ادامه دهید.
6. تماس و مشورت با جوامع محلی را، قبل و بعد از عملیات، تا حد امکان ایجاد نمایید.
7. شفافیت در مورد معیار انتخاب افرادی که هدف عملیات شبانه قرار می گیرند و حملات بالایشان اجرا میگردد، بیشتر بهبود یابد. اقدامات حسابدهی را بشمول طرقتی که فامیل ها بتوانند در بارهء محبوسین خود اطلاع بدست آورند، و نیز در بارهء نتایج بررسی ها در مورد ادعاهای تلفات ملکی، تقویت بخشید.

8. طرز العمل و معيار ها براي جبران خسارات ناشی از حملات شبانه را بشمول جبران خساره براي قربانيان بازداشت های اشتباهی بهبود بخشید.
9. با نیروهای امنیتی افغان کار نمایی تا اجراءات و حسابدهی شان بهتر گردد، خاصتا با نیروهای خاص افغانی که نقش شان بعد از پروسه انتقال قدرت برجسته میگردد.
10. توجه نمایی که ملیشهء افغانی و یا سایر نیروهای نامنظم، به سبب فقدان تعهد و حسابدهی و سابقهء بد رفتاری، در حملات شبانه بکار گرفته نشوند.

¹ *Strangers at the door: Night raids by international forces lose hearts and minds of Afghans*, Open Society Institute & The Liaison Office, February 23, 2010, [hereinafter: Open Society Institute & The Liaison Office, *Strangers at the door*] http://www.soros.org/initiatives/washington/articles_publications/publications/afghan-night-raids-20100222.

¹ Jon Boone, "Wikileaks cables: Karzai pushed to end Afghanistan night raids," *The Guardian*, December 2, 2010, <http://www.guardian.co.uk/world/2010/dec/03/wikileaks-cables-afghanistan-night-raids>.

¹ *Id.*

¹ Emma Graham-Harrison, "Factbox: Night-time raids in Afghanistan," *Reuters*, February 26, 2011, <http://www.trust.org/alertnet/news/factbox-night-time-raids-in-afghanistan/>. مقاله همچنان می افزاید که از تعداد 1700 تن بازداشت شده، عده کم شان در بازداشت باقی ماندند، و نیز تعداد ذکر شده حملات شبانه در یکشنبه افزایش نسبت به سه ماه گذشته، یعنی 17 حمله در یک شب را می رساند.

¹ Interview with COM-ISAF strategic advisor, Kabul city, Kabul province, April 17, 2011. تخمین 40 حمله در یک شب حد اکثر را می رساند، نه تعداد اوسط حملات را.

¹ In July 2011, Afghan رئیس جمهور کرزی توقف حملات شبانه را پیش شرطی برای همکاری طولی مدت ستراتیژیک بین افغانستان و Emma Graham-Harrison, Long-term deal with U.S. must be on Afghan terms: Karzai," *Reuters*, Jul 26, 2011, <http://www.reuters.com/article/2011/07/26/us-afghanistan-us-idUSTRE76P1U320110726>.

¹ BBC News, "Afghanistan: 'Three hurt' in new anti-Nato protest," May 19, 2011, <http://www.bbc.co.uk/news/world-south-asia-13451677>.

¹ مردی از ولایت وردگ گفت که حتی یک طفل هفت ساله هم از نظامیان خارجی بخاطر اعمال شان نفرت دارد. کوبیدن دروازه و تلاشی Erica Gaston & Jonathan Horowitz, *The Trust Deficit: The Impact of Local Perceptions on Policy in Afghanistan*, Open Society Foundations (October 2010) at p. 5, http://www.soros.org/resources/articles_publications/publications/policy-afghanistan-20101007.

¹ The Liaison Office, *Crime and Policing in Afghanistan: Strengthening Crime Response Through Local Providers*, Kabul: The Liaison Office (2011 forthcoming).

¹ Interview with 38-year-old male, Surkhod district, Nangarhar province, Feb. 9, 2010.

¹ An unclassified version of the first tactical directive has been released and is available at: <http://www.isaf.nato.int/article/isaf-releases/isaf-issues-guidance-on-night-raids-in-afghanistan.html>.

¹ Matthew Green, "Petraeus Orders Care over Afghan Night Raids," *Financial Times*, Dec. 17, 2010, http://www.ft.com/intl/cms/s/0/2356fa76-0a06-11e0-9bb4-00144feabdc0_s01=1.html#axzz1Mv8ajzPH.

¹ Open Society Institute & The Liaison Office: *Strangers at the door*, *supra* note 1.

¹ Thomas Ruttig and Susanne Schmeidl, 2011, "Talking about Civilian Casualties in Kabul (with comment)"; Afghanistan Analyst Network Blog, 3 July 2011, <http://aan-afghanistan.com/index.asp?id=1893>.

¹ Interview with Mohammad Daudzai, "Kill/Capture", *PBS Frontline*, May 11, 2011, <http://www.pbs.org/wgbh/pages/frontline/kill-capture/interviews/mohammad-daudzai.html>

¹ Phone interview with international official, June 7, 2011.

¹ Thom Shanker, Elizabeth Bumiller, and Rod Nordland, "Despite Gains, Night Raids Split U.S. and Karzai," *New York Times*, November 15, 2010, <http://www.nytimes.com/2010/11/16/world/asia/16night.html>

¹ Interviews with international human rights monitors in Kabul, Afghanistan, [names, titles withheld] on February 9, 2011; February 10, 2011; April 13, 2011; July 4, 2011. See also, Carlotta Gall, "Night Raids Curbing Taliban, but Afghans Cite Civilian Toll," *New York Times*, July 8, 2011 (افغانها و مشران شان گفته اند که در مجموع دقت حملات بیشتر شده و تلفات ملکی کمتری را نسبت به سابق بار می آورند). according to Georgette Gagnon, director of the human rights unit of the United Nations mission in Afghanistan.)

<http://www.nytimes.com/2011/07/09/world/asia/09nightraids.html?ref=carlottagall&pagewanted=all>.

¹ Interview with 41-year-old male, Kandahar city, Kandahar province, April 14, 2011.

¹ See, e.g., Matt Robinson, "Flash, Bang, But Afghan Night Raid Comes up Empty," *Reuters*, February 24, 2011, [Hereinafter: Robinson: "Flash, Bang"] <http://photoblog.msnbc.msn.com/news/2011/02/24/6122551-flash-bang-but-afghan-night-raid-comes-up-empty> (noting that in a night raid the journalist participated in the target was not there, either because of mistaken intelligence or because he got away).

¹ اشتباه در راپور استخباراتی محدود به حملات شبانه نبوده بلکه در سایر عملیات آیساف نیز رخ داده است. مثلاً بازرسی حمله قاتلانۀ تخرار Kate Clark, که در سپتمبر 2010 بوقوع پیوست، نظامیان امریکایی را بخاطر غفلت در شناخت دقیق شخص مورد هدف حمله، انتقاد مینماید.

"The Takhar attack: Targeted killings and the parallel worlds of U.S. intelligence and Afghanistan," *Afghan Analysts Network Blog*, May 10, 2011, <http://www.aan-afghanistan.org/index.asp?id=1691>.

¹ Sharifullah Sahak & Alissa Rubin, "For Second Time in 3 Days, NATO Raid Kills Afghan Child," *New York Times*, May 14, 2011, http://www.nytimes.com/2011/05/15/world/asia/15afghan.html?_r=1.

¹ Interview with 22-year-old male, Jalalabad city, Nangarhar province, February 5, 2011. See also, Emma Graham-Harrison, "NATO's "successful" Afghan night raids come with high civilian cost," Reuters, February 24, 2011, <http://www.trust.org/alertnet/news/feature-natos-successful-afghan-night-raids-come-with-high-civilian-cost/>

¹ یک قراردادی اسبق وزارت خارجه امریکا، آقای ماتيو موه، که در سال 2009 در زابل بوده و با پروسهء عملیات نظامی آشنایی دارد گفت که ازدیاد در حملات غالباً به سبب ایجاد نرمش در ستندرها است، طوریکه اکنون افرادی که حتی روابط سطحی با شورشیان دارند هدف قرار گرفته Gareth Porter and Shah Noori, "Understating Afghan Civilian Deaths," *CounterPunch.com*, March 19, 2011, <http://www.counterpunch.org/porter03182011.html>.

¹ Interview with 41-year-old male, Kandahar city, Kandahar province, April 14, 2011.

¹ Interview with 26-year-old male, Gul Tapa district, Kunduz province, May 23, 2011.

¹ مقامات نظامی بین المللی طی مصاحبه ای گفتند که حتی شخصی که خود هدف حمله نیست می تواند بازداشت شود زیرا دخالت یا عدم دخالت Interview with Col. Paul Harkness, Kabul city, Kabul province, Afghanistan, June 9, 2010. دو مقام دیگر نظامی دخیل در مسایل عملیاتی گفتند که حتی اگر ملکی بودن شخصی ثابت نیز باشد باز هم بازداشت شده می تواند، چونکه ممکن معلومات با ارزشی در مورد سایر بازداشت شدگان و شورشیان داشته باشد و احتمالاً مسابلی را افشا کند که Phone interview with military officer, May 26, 2011; Interview with defense contractor, Washington, DC, May 15, 2011.

¹ Interview with 24-year-old male, Gul Tapa district, Kunduz province, May 23, 2011.

¹ Interview with 43-year-old male, Panjwaii district, Kandahar province, April 10, 2011.

¹ See also Emilie Jelinek, "Paktia's lost promise," FP.com, July 21, 2011,

http://afpak.foreignpolicy.com/posts/2011/07/21/paktias_lost_promise (واقعه ای را شرح میدهد که طی آن طالبان مسلح در نیمه شب از یک خانواده ملکی، علیرغم مخالفت شان، پناه خواستند که این امر منجر به حمله شبانه ای گردید که طی آن سه عضو فامیل کشته و دو تن دیگر مجروح شدند.)

¹ این موضوع از طرف سایر ناظرین نیز تأیید گردیده، مثلاً شبکه تحلیل افغانستان که حملات شبانه در ننگرهار را در اکتوبر و نوامبر 2010 بررسی مینمود تأیید نمود که بعضی از حملات که بعضی شان تلفات جانی نیز در بر داشته اند، صرف به منظور کسب معلومات استخباراتی در Fabrizio Foschini, "Because the Night Belongs to Raiders: Special ops in Nangrahar," *Afghan Analysts Network Blog*, Oct. 1, 2010, <http://aan-afghanistan.com/index.asp?id=1424>.

¹ Interview with former COM-ISAF staff, Washington, DC, May 27, 2011.

¹ Phone interview with former COM-ISAF strategic advisor, May 31, 2011.

¹ See also, United Nations Assistance Mission to Afghanistan & Afghanistan Independent Human Rights Commission, *Annual Report on Protection of Civilians in Armed Conflict 2010*, March 2010, at pp. 31 - 32 [hereinafter: UNAMA/AIHR 2010 report].

¹ Interview with 33-year-old, Kunduz city, Kunduz province, May 23, 2011. Interview with 24-year-old, Kunduz city, Kunduz province, May 23, 2011; Interview with 26-year-old, Kunduz city, Kunduz province, May 23, 2011.

¹ Interview with elder, Kunduz city, Kunduz province, May 25, 2011.

¹ Interview with 43-year-old male, Panjwaii district, Kandahar province, April 10, 2011.

¹ See also, UNAMA/AIHR 2010 report, *supra* note 33, at pp. 31 - 32.

¹ There may also be deliberate detention operations, more akin to night raids, during these clearing operations.

¹ Under Article 51(3) of Additional Protocol I, "Civilians shall enjoy the protection afforded by this Section unless and for such time as they take a direct part in hostilities." Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), 8 June 1977, 51(3) [hereinafter: "Additional Protocol I"]; Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of Non- International Armed Conflicts [hereinafter: "Additional Protocol II"], 8 June 1977, Art. 13(3), <http://www.icrc.org/ihl.nsf/FULL/475>; 'Interpretive Guidance on the Notion of Direct Participation in Hostilities under International Humanitarian Law (Adopted by the Assembly of the International Committee of the Red Cross on 26 February 2009)' *International Review of the Red Cross* No. 872, December 2008, <http://www.icrc.org/eng/resources/documents/article/review/review-872-p991.htm>.

¹ Nilz Melzer, *Interpretative Guidance on the Notion of Direct Participation in Hostilities*, International Committee of the Red Cross, 01-07-2009 Publication Ref. 0990, May 2009,

<http://www.icrc.org/eng/resources/documents/publication/p0990.htm>.

¹ *Id.* at p. 61.

¹ Basic Principles on the Use of Force and Firearms by Law Enforcement Officials, Adopted by the Eighth United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, Havana, Cuba, 27 August to 7 September 1990, <http://www2.ohchr.org/english/law/firearms.htm>; Code of Conduct for Law Enforcement Officials, Adopted by General Assembly resolution 34/169 of 17 December 1979, <http://www2.ohchr.org/english/law/codeofconduct.htm>.

¹ There is also support in recent U.S. law and practice for interpreting IHL as limiting the power to detain for intelligence purposes. In *Hamdi v. Rumsfeld*, the U.S. Supreme Court recognized that the power to detain is intended to prevent combatants from returning to the battlefield, not to gather intelligence. *Hamdi v. Rumsfeld*, 542 U.S. 507, 521 (“Certainly, we agree that indefinite detention for the purpose of interrogation is not authorized”). The criteria used by U.S. Detention Review Boards (DRBs) in Afghanistan also reflect this legal position. DRBs are expressly prohibited from keeping individuals in detention based solely on their intelligence value. Memorandum from Deputy Secretary of Defense: Policy Guidance on Review Procedures and Transfer and Release Authority at Bagram Theater Internment Facility (BTIF), Afghanistan (U), July 2, 2009, at p. 2, http://www.aclu.org/files/pdfs/natsec/bagram20100514/07bagrampolicy_30-92.pdf

¹ There is ongoing academic debate about the scope of authority for detentions in non-international armed conflict, and how many of the established detention standards of international armed conflict – including, for example, the authority to intern civilians for “imperative reasons of security” under the Fourth Geneva Convention – may be treated as analogous. See, e.g., Jelena Pejic, “Procedural Principles for Internment/Administrative Detention in Armed Conflict and other Situations of Violence,” *Int’l Rev. of the Red Cross*, Volume 87, Number 858 (June 2005), p. 380, http://www.icrc.org/eng/assets/files/other/irrc_858_pejic.pdf [hereinafter: Pejic: “Procedural violations”] (arguing that some of the standards of international armed conflict apply by analogy in non-international armed conflict, including, for example the principle that intelligence value alone is not normally sufficient basis for internment).

¹ Article 3 common to the four 1949 Geneva Conventions provides that all individuals should “be treated humanely without any adverse distinction founded on race, color, religion or faith, sex, birth or wealth, or any other similar criteria.” Arbitrary deprivation of liberty has been found to be a violation of Common Article 3 as a form of inhumane treatment: “State practice establishes [prohibition on arbitrary deprivation of liberty] rule as a norm of customary international law applicable in both international and non-international armed conflicts. It should be noted that common Article 3 of the Geneva Conventions, as well as both Additional Protocols I and II, require that all civilians and persons hors de combat be treated humanely, whereas arbitrary deprivation of liberty is not compatible with this requirement.” See International Committee of the Red Cross, Customary IHL Database: “Rule 99: Deprivation of Liberty,” available at http://www.icrc.org/customary-ihl/eng/docs/v1_rul_rule99 (*last accessed* Aug. 14, 2011).

¹ Collective punishment prohibited under Additional Protocol II, Art. 4 (2)(b). Case-by-case determination. Pejic: “Procedural violations,” *supra* note 45 at p. 380. See also *Prosecutor v. Delalic*, No. IT-96-21-A, ¶ 327 (Feb. 20, 2001).

¹ See *supra* note 45.

¹ Interview with male [age unknown], Jalalabad city, Nangarhar province, Feb. 7, 2011.

¹ Interview with male [age unknown], Maidan Shar, Wardak province, March 25, 2010

¹ Interview with male [age unknown], Kandahar city, Kandahar province, Nov. 22, 2010.

¹ UNAMA/AIHRC 2010 report, *supra* note 35.

¹ See, e.g., Gareth Porter and Shah Noori, “U.N. Reported Only a Fraction of Civilian Deaths from U.S. Raids,” *Inter Press Service*, March 17, 2011, <http://ipsnews.net/news.asp?idnews=54883> (citing AIHRC Commissioner Nader Nadery that the UNAMA/AIHRC report only included statistics and case studies based on cases they were able to investigate thoroughly); UNAMA Protection of Civilians, Mid-Year Report, July 2011, page 25. (“Given both limitations associated with the operating environment and limited access to information, UNAMA may be under-reporting the number of night raids involving civilian casualties.”) Interview with international human rights monitor [name, title withheld] in Kabul city, Kabul province, February 10, 2011 (discussing under-reporting of

night raids because many of the areas in which they take place are inaccessible and the civilian deaths are difficult to verify).

¹ See, e.g., Carlotta Gall, "Night Raids Curbing Taliban, but Afghans Cite Civilian Toll," *New York Times*, July 8, 2011 (noting that "Military officials say that they get their target 80 percent of the time, and that less than 1 percent of the raids lead to civilian casualties."). ISAF generally tracks civilian casualties according to whether the death or injury was the result of "direct fire", "indirect fire", "close air support", etc. It does not aggregate casualties resulting from night raids specifically. This may explain why it does not release statistics on civilian casualties in night raids, although it does raise a question as to where the 1% statistic originates.

¹ In particular, it seems methodologically unconvincing that the statistic about no shot fired in 80% of night raids has remained the same for over a year, despite changes in the number of operations, and tactics used over time. See, e.g., Quil Lawrence, "Afghan Deaths Reignite Controversy Over Night Raids," *National Public Radio*, May 24, 2010, <http://www.npr.org/templates/story/story.php?storyId=127090878> (a May 2010 story noting ISAF statements that in 80% of night raids no shots fired); Robinson: "Flash, Bang", *supra* note 19 (a February 2011 story noting ISAF statements that in 80% of night raids no shots fired); <http://www.pbs.org/wgbh/pages/frontline/kill-capture/night-raids/> (a May 2011 story noting ISAF statements that in 80% of night raids no shots fired).

¹ Interview with male [age unknown], Jalalabad city, Nangarhar province, Feb. 7, 2011.

¹ Interview with 30-year-old male, Mehter Lam city, Laghman province, Feb 8, 2011 (also noting that his uncle subsequently died from his wounds, a shrapnel wound to the arm).

¹ *Id.*

¹ A spokesman for ISAF at the time noted that it did not matter whether the men who ran outside were firing or not for a determination of hostile intent. "If you have got an individual stepping out of a compound, and if your assault force is there, that is often the trigger to neutralize the individual. You don't have to be fired upon to fire back." Jerome Starkey, "Nato 'covered up' botched night raid in Afghanistan that killed five," *The Times*, March 13, 2011.

¹ مرد 61 ساله ساکن در سرخزود ولایت ننگرهار طی مصاحبه ای در نهم فیبروری 2011 گفت " کدام علامت هشدار دهنده ای را بخاطر ندارم. بمجردی که پسر را دیدند، بالایش فیر کردند و کشتند. دامادم از خواب برخاست و با دیدن امریکایی ها پا به فرار گذاشت. او را هم کشتند. پسر که در خواب بود تفنگ شکاری در پهلو داشت. تفنگی که برای شکار پرندگان بکار میرود. او را مستقیماً هدف گرفته 10 تا 12 مرمی در سینه اش خالی کردند. بمن گفتند که دسن هایت را بالا بگیر".

¹ طی یک واقعه حمله شبانه در ماه می 2011، دختر 12 ساله ای حین فرار از نیروهای عملیاتی توسط فیر گلوله کشته شد. به اساس یک بیان آیساف بعد از واقعه، "یک فرد از پشت خانه بطرف حاشیه حلقه محاصره دوید و هنگامی بقتل رسید که نیروهای امنیتی اشتباهاً وجود سلاح را تشخیص دادند. بعداً معلوم شد که فرد مذکور یک دختر نابالغ و غیر مسلح افغان است". Alissa R. Rubin, "Girl, 12, Killed in NATO Raid on Wrong Afghan Home," *New York Times*, May 12, 2011. See also Interview with 38-year-old man, Jalalabad city, Nangarhar province, Feb. 9, 2011 (describing how international military shot after a 12-year-old boy who ran away when they entered the house and yard).

¹ A spokesman for ISAF at the time noted that it did not matter whether the men who ran outside were firing or not for a determination of hostile intent. "If you have got an individual stepping out of a compound, and if your assault force is there, that is often the trigger to neutralise the individual. You don't have to be fired upon to fire back." Jerome Starkey, "Nato 'covered up' botched night raid in Afghanistan that killed five," *The Times*, March 13, 2011.

¹ The concern that a man picking up his cell phone might be activating a bomb remotely or calling for back-up has frequently been used as a justification for shooting someone who otherwise has no hostile intent. Alissa J. Rubin, "Bombs Kill 13 Afghans; Elderly Man Dies in Raid," March 21, 2010, *New York Times*, <http://www.nytimes.com/2010/03/22/world/asia/22afghan.html>

¹ Emma Graham-Harrison, "Factbox: Night-time raids in Afghanistan," *Reuters*, February 26, 2011, <http://www.trust.org/alertnet/news/factbox-night-time-raids-in-afghanistan/>. Similarly high volumes of detentions took place in late 2010 and through the summer of 2011, though specific statistics on the number of those detained were not available, despite repeated requests.

¹ Andrea Prasow, "Afghan Torture Is No Secret," *National Post*, May 4, 2010. <http://network.nationalpost.com/NP/blogs/fullcomment/archive/tags/National+Postost/default.aspx>. Judgment: R (Evans) v SS Defence, <http://www.judiciary.gov.uk/NR/rdonlyres/60E1560B-7E8A-4C3C-A886-C309B35237AD/0/revansvsdjudgment.pdf> (singling out the NDS in particular in evaluating complaints of widespread mistreatment and torture at Afghan detention facilities).

¹ Interview with 61-year-old male, Surkhod district, Nangarhar province, Feb. 9, 2011.

¹ See, e.g., Thomas Ruttig and Susanne Schmeidl, 2011, "Talking about Civilian Casualties in Kabul," *Afghanistan Analyst Network Blog*, July 3, 2011, <http://aan-afghanistan.com/index.asp?id=1893>

¹ In the past, ISAF was sometimes willing to share cockpit video or other material they believed established the combatant nature of those killed in ISAF military operations. In the last year and a half those requests have routinely been refused. Interview with international human rights monitor in Kabul city, Kabul province, February 9, 2011; Interview with international human rights monitor in Kabul city, Kabul province, April 13, 2011.

¹ The last redacted investigation report released, related to a February 2010 airstrike in the border area of Uruzgan/Daikundi provinces. Headquarters United States Forces Afghanistan, Press Release: U.S. Releases Uruzgan Investigation Findings (100528-NR-019), May 28, 2010, Kabul, Afghanistan, <http://www.isaf.nato.int/article/isaf-releases/u.s.-releases-uruzgan-investigation-findings.html>.

¹ The last directive to be released publicly was the January 2010 tactical directive on night raids, An unclassified version of the first tactical directive has been released and is available at: <http://www.isaf.nato.int/article/isaf-releases/isaf-issues-guidance-on-night-raids-in-afghanistan.html>.

¹ Night raids might also be carried out in smaller numbers by ISAF Special Operations Forces (including U.S., British, Australian, Canadian, or other countries' Special Forces), or by U.S. Special Forces belonging to Combined Forces Special Operations Component Command (CFSOCC).

¹ Chris Rogers, Campaign for Innocent Victims in Conflict (CIVIC) Worldwide, *Addressing Civilian Harm in Afghanistan: Policies and Practices of International Forces*, CIVIC Worldwide, April 2010, available at <http://www.civicworldwide.org/afghanistan>.

¹ Phone interview with military officer, May 26, 2011

¹ Phone interview with former COM-ISAF strategic advisor, May 31, 2011; Interview with COM-ISAF strategic advisor, Kabul city, Kabul province, April 17, 2011; Phone interview with military officer, May 26, 2011.

¹ Though OSF and TLO's research did not find a significant increase in "kill" missions, it is worth noting that other international commentators have suggested that domestic U.S. legal battles over detention authority in sites like Guantanamo have created pressure on the Obama Administration to kill rather than capture suspected terrorists found in Afghanistan, Pakistan, or other sites abroad. John Yoo, "From Guantanamo to Abbottabad," *Wall Street Journal*, May 4, 2011, ("Mr. Obama would rather kill al Qaeda leaders—whether by drones or special ops teams—than wade through the difficult questions raised by their detention."); Kenneth Anderson, "Targeted Killing in U.S. Counterterrorism Strategy and Law," May 11, 2009, Hoover Institution, at 7 ("the political costs for any U.S. administration in taking and holding detainees are now enormous. ... Politically, the most powerful institutional incentive today is to kill rather than capture them."); Tara McKelvey, "Inside the Killing Machine," *Newsweek*, February 13, 2011 (describing comments by former chief lawyer for the CIA, John Rizzo, about critiques of detention process under the Bush Administration "The detainees, by and large, survived, Rizzo observes; today, high-level terrorism suspects often do not.").

¹ در حالیکه اکثر افغانها طی مصاحبه گفته اند که نیروهای بین المللی کلتور و مذهب افغانها را نمی دانند باز هم بیشتر شان بالای این ارزش ها تاکید دارند. قسمیکه یک مرد از ولایت وردگ گفت "بحث بر سر این نیست که من افغانم و تو خارجی، یا من مسلمانم و تو نیستی. اگر من نیمه شب بخانه تو، جایی که تو با فامیلت در خواب هستی ببایم، آنرا تلاشی نمایم و اطفال را بترسانم، در مورد من چه فکری خواهی کرد؟".

Interview with male [age unknown], Maidan Shar, Wardak province, March 25, 2010.

¹ For example, Pashtun communities in Khas Uruzgan district of Uruzgan province have frequently complained about night raids conducted by Hazara forces (either independently or jointly with international forces). This issue has exacerbated long-standing tensions between Hazara and Pashtun communities in the area. See also The Liaison Office, *The Dutch Engagement in Uruzgan: 1996-2010*, Kabul: The Liaison Office (2010).

¹ Thom Shanker, Elizabeth Bumiller, and Rod Nordland, “Despite Gains, Night Raids Split U.S. and Karzai,” *New York Times*, November 15, 2010, <http://www.nytimes.com/2010/11/16/world/asia/16night.html> (“NATO officials in Kabul say that representatives from the Afghan ministries of defense and interior, and from Mr. Karzai’s own national directorate of security, work inside the operations center and approve each mission.”); Josh Partlow, “Karzai wants U.S. to reduce military operations in Afghanistan,” *Washington Post*, November 14, 2010 (“On each mission, Afghan commandos accompany U.S. troops and Afghan officers work with the Special Operations command at Bagram Airfield to choose targets, military officials said”). Several current and former military officials have also told OSF and TLO that in some cases, the decision to conduct a raid and the authorization for it is more immediate, with the information learned in one raid leading to a second night raid on a different target the very same night. It is not clear what the Afghan involvement in authorization of these types of raid is; however, they appear to happen infrequently. Interview with COM-ISAF strategic advisor, April 17, 2011; Phone interview with former COM-ISAF strategic advisor, May 31, 2011.

¹ Interview with Col. Paul Harkness, Kabul city, Kabul province, Afghanistan, June 9, 2010.

¹ *Id.*

¹ In October 2010, the Afghan National Security Council Afghan officials announced that this level of consultation gave them no meaningful control. Amir Shah & Heidi Vogt, “Afgh: Consult system on ops not working,” *Associated Press*, Oct. 18, 2011, http://www.wivb.com/dpps/military/Afghan-Consult-system-on-military-ops-not-working_3614649. In November 2010, Afghan President Karzai called for an end to night raids. Joshua Partlow, “Karzai wants U.S. to reduce military operations in Afghanistan,” *Washington Post*, Nov. 14, 2010, <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2010/11/13/AR2010111304001.html>. In May 2011, President Karzai ordered the Defense Ministry to bring night raids under their control. Hamid Shalizi, “Karzai wants Afghans to take control of night raids,” *Reuters*, May 28 2011, http://www.realclearworld.com/news/reuters/international/2011/May/28/karzai_wants_afghans_to_take_control_of_night_raids.html.

¹ Interview with Col. Paul Harkness, Kabul city, Kabul province, Afghanistan, June 9, 2010

¹ *Id.*

¹ Interview with male [age unknown], Kabul city, Kabul province, March 13, 2011; Interview with male [age unknown], Kabul city, Kabul province, March 13, 2011.

¹ Interview with male [age unknown], Kabul city, Kabul province, March 12, 2011.

¹ But see *supra* note 75.

¹ Though many witnesses noted that Afghans were part of the forces, they rarely described them as in the lead. Instead, witnesses reported that international forces often take the lead in night raid operations and have not been limited to a “perimeter role,” as ISAF has claimed.

¹ Interview with local rights monitor, Jalalabad city, Nangarhar province, Feb. 6, 2011.

¹ Interview with man [age unknown], Jalalabad city, Nangarhar province, Feb. 7, 2011.

¹ Robinson: “Flash, Bang”, *supra* note 19 (noting that in a night raid the journalist participated in, a Female Engagement Team of female soldiers dealt with the women in the home). See also Thom Shanker, Elizabeth Bumiller, and Rod Nordland, “Despite Gains, Night Raids Split U.S. and Karzai,” *New York Times*, Nov. 15, 2010, <http://www.nytimes.com/2010/11/16/world/asia/16night.html>. These teams have also been criticized for having an intelligence gathering function which could potentially endanger the women they interact with.

¹ Open Society Institute & The Liaison Office: “Strangers at the door”, *supra* note 1, at p. 12.

¹ For example, one man from Kandahar province who overall spoke more approvingly of night raids said, “When they search Americans do not steal property or money, but the ANA and Police, they do. ... We wish the police not to steal and do not take bribers to release prisoners.” Interview with male [age unknown], Kabul city, Kabul province, March 12, 2011.

¹ Oxfam, Campaign for Innocent Victims in Conflict, Human Rights Research Consortium, & Peace Training & Research Organization, Joint Briefing Paper: No Time to Lose: Promoting the Accountability of the Afghan National Security Forces, May 10, 2011.

¹ Forthcoming Human Rights Watch report; “Just Don’t Call It a Militia” - Impunity, Militias, and the Afghan Local Police. (To be published September 13, 2011).

¹ Martine van Bijlert, 2011, “Khas Uruzgan violence and ISAF press releases,” *Afghanistan Analyst Network Blog*, June 26, 2011; <https://www.afghanistan-analysts.net/index.asp?id=1846>, and forthcoming Human Rights Watch report; “Just Don’t Call It a Militia” - Impunity, Militias, and the Afghan Local Police. (To be published September 13, 2011).

¹ Interview with Col. Paul Harkness, Kabul city, Kabul province, June 9, 2011.

¹ In contrast to ISAF statements many community elders and Afghan civilians interviewed argued that if international forces had come during the daytime or sent for them, they could have detained and/or questioned the individuals peacefully. See, e.g., Interview with elderly male [age unknown], Tirin Kot, Uruzgan province, July 4, 2011 (suggesting that a more peaceful alternative to night raids would be for international forces to secure or seal off the targeted area at night, then after daybreak search the house and detain individuals after requesting permission from elders).

¹ ISAF has sometimes argued that regular law enforcement is not possible in many areas because ANSF do not have control of all areas or sufficient capacity to carry out these detentions through regular law enforcement. This argument would be more convincing if night raids were only used in contested areas or areas known to have a weak ANSF force presence. The fact that night raids occur regularly in major provincial capitals including Kabul city and Jalalabad, in which ANSF forces are strong, suggests that this is not the main reason for the lack of alternative detention practices.

¹ Bashir Ahmad Naadem, “Al Jazeera journalist freed in Kandahar,” *Pajwok Afghan News*, Sept. 24, 2010, <http://www.pajhwok.com/en/2010/09/24/al-jazeera-journalist-freed-kandahar>.

¹ Interview with Rahmatullah Nekzad, Ghazni local journalist for Al Jazeera, Kabul city, Kabul province, Sept. 26, 2010.

¹ In some cases the signal intelligence might not suggest the individual’s occupation, or public profile as clearly as it might have in the Al Jazeera case. Thus, ISAF might not know that the person is so easily detainable by other means. If so, the fact that ISAF does not check out such basic, public details of a person’s life before authorizing the potential use of lethal force on the family home is legally questionable, an issue raised more generally with regard to targeted killings. Past efforts to reduce civilian casualties from international military operations have included requirements to do a full pattern of life analysis before targeting. If these requirements are not already part of the restrictions applicable to night raids, there are strong grounds for including them.

¹ Anand Gopal, “Afraid of the Dark in Afghanistan,” *Tom Dispatch.com*, Jan. 28, 2010, http://www.tomdispatch.com/blog/175197/tomgram%3A_anand_gopal,_afraid_of_the_dark_in_Afghanistan/

¹ Additional Protocol I, Art. 57(1).

¹ Additional Protocol I, Art. 57 (2)(b).

¹ Additional Protocol I, Art. 57(3).

¹ For more on the applicability of human rights law during periods of armed conflict, see generally, Noam Lubell, “Challenges in applying human rights law to armed conflict,” *Int’l Rev. of the Red Cross*, Volume 87, Number 860 (December 2005). Rule of Law in Armed Conflict Project Website, “Interaction between humanitarian law and human rights in armed conflicts,” http://www.adh-geneva.ch/RULAC/interaction_between_humanitarian_law_and_human_rights_in_armed_conflicts.php (last accessed August 1, 2011). In addition, most relevant for this issue in Afghanistan, the United States generally contests the extra-territorial application of human rights treaties absent a specific provision. See generally, Michael Dennis, Application of Human Rights Treaties Extraterritorially in Times of Armed Conflict and Military Occupation, 99 *Am. J. Int’l L.* 119 (2005).

¹ Some scholars have noted that three situations in which human rights law might be relied on to a greater extent during periods of armed conflict are: occupation, non-international armed conflict, and counter-terrorism. See Michael N. Schmitt, “Investigating Violations of International Law in Armed Conflict,” *Harv. Nat’l Sec. J.*, Vol. 2, Issue 2, 51 - 56 (2010) (noting also that “The instance and scope of applicability will depend in great part on whether the situation involves an incident directly related to the conduct of the armed conflict or one where the nexus with the conflict is attenuated.”). See generally, Robert J. Delahunty & John Yoo, “What is the Role of International Human Rights Law in the War on Terror?” 59 *DePaul L. Rev.* 803 (2010). Noam Lubell, “Challenges in applying human rights law to armed conflict,” *Int’l Rev. of the Red Cross*, Volume 87, Number 860 (December 2005), 746 – 750 (arguing that because IHL is less developed with regard to non-international armed conflicts,

human rights law might be relied upon more heavily: “where IHL treaties are silent, human rights law might be offered as an answer”).

¹ The Afghan NGO Safety Office – a widely trusted non-governmental security monitor that regularly tracks security incidents – found a 119% increase in insurgent attacks from June 2009 to June 2011. Kate Clark, “Civilian Casualties 1: Progress in the war or a ‘perpetually escalating stalemate’?” *Afghan Analysts Network blog*, July 21, 2011, <http://aan-afghanistan.com/index.asp?id=1957>.

¹ Joshua Partlow, “Karzai wants U.S. to reduce military operations in Afghanistan,” *Washington Post*, November 14, 2010.

¹ *Id.* Emma Graham-Harrison, Long-term deal with U.S. must be on Afghan terms: Karzai,” *Reuters*, July 26, 2011, <http://www.reuters.com/article/2011/07/26/us-afghanistan-us-idU.S.TRE76P1U320110726>.

¹ See *supra* note 108 (noting 119% rise in insurgent attacks since the “surge” in troops and in night raids).

¹ *Strangers at the door: Night raids by international forces lose hearts and minds of Afghans*, Open Society Institute & The Liaison Office, February 23, 2010, [hereinafter: Open Society Institute & The Liaison Office, *Strangers at the door*] http://www.soros.org/initiatives/washington/articles_publications/publications/afghan-night-raids-20100222.

² Jon Boone, “Wikileaks cables: Karzai pushed to end Afghanistan night raids,” *The Guardian*, December 2, 2010, <http://www.guardian.co.uk/world/2010/dec/03/wikileaks-cables-afghanistan-night-raids>.

³ *Id.*

⁴ Emma Graham-Harrison, “Factbox: Night-time raids in Afghanistan,” *Reuters*, February 26, 2011, <http://www.trust.org/alertnet/news/factbox-night-time-raids-in-afghanistan/>. مقاله همچنان می افزاید که از تعداد 1700 تن بازداشت شده، عده کم شان در بازداشت باقی ماندند، و نیز تعداد ذکر شده حملات شبانه در یکشنبه افزایش نسبت به سه ماه گذشته، یعنی 17 حمله در یک شب را می رساند.

⁵ Interview with COM-ISAF strategic advisor, Kabul city, Kabul province, April 17, 2011. تخمین 40 حمله در یک شب حد اکثر را می رساند، نه تعداد اوسط حملات را.

⁶ In July 2011, Afghan رئیس جمهور کرزی توقف حملات شبانه را پیش شرطی برای همکاری طویل المدت ستراتیژیک بین افغانستان و پاکستان دانسته است. Emma Graham-Harrison, Long-term deal with U.S. must be on Afghan terms: Karzai,” *Reuters*, Jul 26, 2011, <http://www.reuters.com/article/2011/07/26/us-afghanistan-us-idUSTRE76P1U320110726>

⁷ BBC News, “Afghanistan: ‘Three hurt’ in new anti-Nato protest,” May 19, 2011, <http://www.bbc.co.uk/news/world-south-asia-13451677>.

⁸ مردی از ولایت وردگ گفت که حتی یک طفل هفت ساله هم از نظامیان خارجی بخاطر اعمال شان نفرت دارد. کوبیدن دروازه و تلاشی Erica Gaston & Jonathan Horowitz, *The Trust Deficit: The Impact* دلیل قیام مردم به ضد نظامیان بیگانه است.

of *Local Perceptions on Policy in Afghanistan*, Open Society Foundations (October 2010) at p. 5, http://www.soros.org/resources/articles_publications/publications/policy-afghanistan-20101007

⁹ The Liaison Office, *Crime and Policing in Afghanistan: Strengthening Crime Response Through Local Providers*, Kabul: The Liaison Office (2011 forthcoming).

¹⁰ Interview with 38-year-old male, Surkhod district, Nangarhar province, Feb. 9, 2010.

¹¹ An unclassified version of the first tactical directive has been released and is available at: <http://www.isaf.nato.int/article/isaf-releases/isaf-issues-guidance-on-night-raids-in-afghanistan.html>.

¹² Matthew Green, "Petraeus Orders Care over Afghan Night Raids," *Financial Times*, Dec. 17, 2010, http://www.ft.com/intl/cms/s/0/2356fa76-0a06-11e0-9bb4-00144feabdc0_s01=1.html#axzz1Mv8ajzPH.

¹³ Open Society Institute & The Liaison Office: *Strangers at the door*, *supra* note 1.

¹⁴ Thomas Ruttig and Susanne Schmeidl, 2011, "Talking about Civilian Casualties in Kabul (with comment)"; Afghanistan Analyst Network Blog, 3 July 2011, <http://aan-afghanistan.com/index.asp?id=1893>.

¹⁵ Interview with Mohammad Daudzai, "Kill/Capture", *PBS Frontline*, May 11, 2011, <http://www.pbs.org/wgbh/pages/frontline/kill-capture/interviews/mohammad-daudzai.html>

¹⁶ Phone interview with international official, June 7, 2011.

¹⁷ Thom Shanker, Elizabeth Bumiller, and Rod Nordland, "Despite Gains, Night Raids Split U.S. and Karzai," *New York Times*, November 15, 2010, <http://www.nytimes.com/2010/11/16/world/asia/16night.html>

¹⁸ Interviews with international human rights monitors in Kabul, Afghanistan, [names, titles withheld] on February 9, 2011; February 10, 2011; April 13, 2011; July 4, 2011. See also, Carlotta Gall, "Night Raids Curbing Taliban, but Afghans Cite Civilian Toll," *New York Times*, July 8, 2011 (افغانها و مشران شان گفته اند که در مجموع دقت حملات بیشتر شده و تلفات ملکی کمتری را نسبت به سابق بار می آورند). according to Georgette Gagnon, director of the human rights unit of the United Nations mission in Afghanistan.) <http://www.nytimes.com/2011/07/09/world/asia/09nightraids.html?ref=carlottagall&pagewanted=all>.

¹⁹ Interview with 41-year-old male, Kandahar city, Kandahar province, April 14, 2011.

²⁰ See, e.g., Matt Robinson, "Flash, Bang, But Afghan Night Raid Comes up Empty," *Reuters*, February 24, 2011, [Hereinafter: Robinson: "Flash, Bang"] <http://photoblog.msnbc.msn.com/news/2011/02/24/6122551-flash-bang-but-afghan-night-raid-comes-up-empty> (noting that in a night raid the journalist participated in the target was not there, either because of mistaken intelligence or because he got away).

²¹ اشتباه در راپور استخباراتی محدود به حملات شبانه نبوده بلکه در سایر عملیات آیساف نیز رخ داده است. مثلا بازرسی حمله قاتلانہ تخار Kate Clark, که در سپتمبر 2010 بوقوع پیوست، نظامیان امریکایی را بخاطر غفلت در شناخت دقیق شخص مورد هدف حمله، انتقاد مینماید. "The Takhar attack: Targeted killings and the parallel worlds of U.S. intelligence and Afghanistan," *Afghan Analysts Network Blog*, May 10, 2011, <http://www.aan-afghanistan.org/index.asp?id=1691>.

²² Sharifullah Sahak & Alissa Rubin, "For Second Time in 3 Days, NATO Raid Kills Afghan Child," *New York Times*, May 14, 2011, http://www.nytimes.com/2011/05/15/world/asia/15afghan.html?_r=1.

²³ Interview with 22-year-old male, Jalalabad city, Nangarhar province, February 5, 2011. See also, Emma Graham-Harrison, "NATO's "successful" Afghan night raids come with high civilian cost," *Reuters*, February 24, 2011, <http://www.trust.org/alertnet/news/feature-natos-successful-afghan-night-raids-come-with-high-civilian-cost/>

²⁴ یک قراردادی اسبق وزارت خارجه امریکا، آقای ماتئو موه، که در سال 2009 در زابل بوده و با پروسه عملیات نظامی آشنایی دارد گفت که از دیدار در حملات غالباً به سبب ایجاد نرمش در ستندرها است، طوریکه اکنون افرادی که حتی روابط سطحی با شورشیان دارند هدف قرار گرفته می‌توانند. Gareth Porter and Shah Noori, "Understating Afghan Civilian Deaths," *CounterPunch.com*, March 19, 2011, <http://www.counterpunch.org/porter03182011.html>.

-
- ²⁵ Interview with 41-year-old male, Kandahar city, Kandahar province, April 14, 2011.
- ²⁶ Interview with 26-year-old male, Gul Tapa district, Kunduz province, May 23, 2011.
- ²⁷ مقامات نظامی بین المللی طی مصاحبه ای گفتند که حتی شخصی که خود هدف حمله نیست می تواند بازداشت شود زیرا دخالت یا عدم دخالت Interview with Col. Paul Harkness, Kabul city, Kabul province, Afghanistan, June 9, 2010. دو مقام دیگر نظامی دخیل در مسایل عملیاتی گفتند که حتی اگر ملکی بودن شخصی ثابت نیز باشد باز هم بازداشت شده می تواند، چونکه ممکن معلومات با ارزشی در مورد سایر بازداشت شدگان و شورشیان داشته باشد و احتمالاً مسایلی را افشا کند که Phone interview with military officer, May 26, 2011; Interview with defense contractor, Washington, DC, May 15, 2011.
- ²⁸ Interview with 24-year-old male, Gul Tapa district, Kunduz province, May 23, 2011.
- ²⁹ Interview with 43-year-old male, Panjwaii district, Kandahar province, April 10, 2011.
- ³⁰ See also Emilie Jelinek, "Paktia's lost promise," FP.com, July 21, 2011, http://afpak.foreignpolicy.com/posts/2011/07/21/paktias_lost_promise (واقعه ای را شرح میدهد که طی آن طالبان مسلح در نیمه شب از یک خانواده ملکی، علیرغم مخالفت شان، پناه خواستند که این امر منجر به حمله شبانه ای گردید که طی آن سه عضو فامیل (کشته و دو تن دیگر مجروح شدند).
- ³¹ این موضوع از طرف سایر ناظرین نیز تائید گردیده، مثلاً شبکه تحلیل افغانستان که حملات شبانه در ننگرهار را در اکتوبر و نوامبر 2010 بررسی مینمود تائید نمود که بعضی از حملات که بعضی شان تلفات جانی نیز در بر داشته اند، صرف به منظور کسب معلومات استخباراتی در Fabrizio Foschini, "Because the Night Belongs to Raiders: Special ops in Nangrahar," *Afghan Analysts Network Blog*, Oct. 1, 2010, <http://aan-afghanistan.com/index.asp?id=1424>.
- ³² Interview with former COM-ISAF staff, Washington, DC, May 27, 2011.
- ³³ Phone interview with former COM-ISAF strategic advisor, May 31, 2011.
- ³⁴ See also, United Nations Assistance Mission to Afghanistan & Afghanistan Independent Human Rights Commission, *Annual Report on Protection of Civilians in Armed Conflict 2010*, March 2010, at pp. 31 - 32 [hereinafter: UNAMA/AIHR 2010 report].
- ³⁵ Interview with 33-year-old, Kunduz city, Kunduz province, May 23, 2011. Interview with 24-year-old, Kunduz city, Kunduz province, May 23, 2011; Interview with 26-year-old, Kunduz city, Kunduz province, May 23, 2011.
- ³⁶ Interview with elder, Kunduz city, Kunduz province, May 25, 2011.
- ³⁷ Interview with 43-year-old male, Panjwaii district, Kandahar province, April 10, 2011.
- ³⁸ See also, UNAMA/AIHR 2010 report, *supra* note 33, at pp. 31 - 32.
- ³⁹ There may also be deliberate detention operations, more akin to night raids, during these clearing operations.
- ⁴⁰ Under Article 51(3) of Additional Protocol I, "Civilians shall enjoy the protection afforded by this Section unless and for such time as they take a direct part in hostilities." Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), 8 June 1977, 51(3) [hereinafter: "Additional Protocol I"]; Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of Non- International Armed Conflicts [hereinafter: "Additional Protocol II"], 8 June 1977, Art. 13(3), <http://www.icrc.org/ihl.nsf/FULL/475>; 'Interpretive Guidance on the Notion of Direct Participation in Hostilities under International Humanitarian Law (Adopted by the Assembly of the International Committee of the Red Cross on 26 February 2009)' *International Review of the Red Cross* No. 872, December 2008, <http://www.icrc.org/eng/resources/documents/article/review/review-872-p991.htm>.
- ⁴¹ Nilz Melzer, *Interpretative Guidance on the Notion of Direct Participation in Hostilities*, International Committee of the Red Cross, 01-07-2009 Publication Ref. 0990, May 2009, <http://www.icrc.org/eng/resources/documents/publication/p0990.htm>.
- ⁴² *Id.* at p. 61.
- ⁴³ Basic Principles on the Use of Force and Firearms by Law Enforcement Officials, Adopted by the Eighth United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, Havana, Cuba, 27 August to 7 September 1990, <http://www2.ohchr.org/english/law/firearms.htm>; Code of Conduct for Law Enforcement

Officials, Adopted by General Assembly resolution 34/169 of 17 December 1979,
<http://www2.ohchr.org/english/law/codeofconduct.htm>.

⁴⁴ There is also support in recent U.S. law and practice for interpreting IHL as limiting the power to detain for intelligence purposes. In *Hamdi v. Rumsfeld*, the U.S. Supreme Court recognized that the power to detain is intended to prevent combatants from returning to the battlefield, not to gather intelligence. *Hamdi v. Rumsfeld*, 542 U.S. 507, 521 (“Certainly, we agree that indefinite detention for the purpose of interrogation is not authorized.”). The criteria used by U.S. Detention Review Boards (DRBs) in Afghanistan also reflect this legal position. DRBs are expressly prohibited from keeping individuals in detention based solely on their intelligence value. Memorandum from Deputy Secretary of Defense: Policy Guidance on Review Procedures and Transfer and Release Authority at Bagram Theater Internment Facility (BTIF), Afghanistan (U), July 2, 2009, at p. 2, http://www.aclu.org/files/pdfs/natsec/bagram20100514/07bagrampolicy_30-92.pdf

⁴⁵ There is ongoing academic debate about the scope of authority for detentions in non-international armed conflict, and how many of the established detention standards of international armed conflict – including, for example, the authority to intern civilians for “imperative reasons of security” under the Fourth Geneva Convention – may be treated as analogous. See, e.g., Jelena Pejic, “Procedural Principles for Internment/Administrative Detention in Armed Conflict and other Situations of Violence,” *Int’l Rev. of the Red Cross*, Volume 87, Number 858 (June 2005), p. 380, http://www.icrc.org/eng/assets/files/other/irrc_858_pejic.pdf [hereinafter: Pejic: “Procedural violations”] (arguing that some of the standards of international armed conflict apply by analogy in non-international armed conflict, including, for example the principle that intelligence value alone is not normally sufficient basis for internment).

⁴⁶ Article 3 common to the four 1949 Geneva Conventions provides that all individuals should “be treated humanely without any adverse distinction founded on race, color, religion or faith, sex, birth or wealth, or any other similar criteria.” Arbitrary deprivation of liberty has been found to be a violation of Common Article 3 as a form of inhumane treatment: “State practice establishes [prohibition on arbitrary deprivation of liberty] rule as a norm of customary international law applicable in both international and non-international armed conflicts. It should be noted that common Article 3 of the Geneva Conventions, as well as both Additional Protocols I and II, require that all civilians and persons hors de combat be treated humanely, whereas arbitrary deprivation of liberty is not compatible with this requirement.” See International Committee of the Red Cross, Customary IHL Database: “Rule 99: Deprivation of Liberty,” available at http://www.icrc.org/customary-ihl/eng/docs/v1_rul_rule99 (*last accessed* Aug. 14, 2011).

⁴⁷ Collective punishment prohibited under Additional Protocol II, Art. 4 (2)(b). Case-by-case determination. Pejic: “Procedural violations,” *supra* note 45 at p. 380. See also *Prosecutor v. Delalic*, No. IT-96-21-A, ¶ 327 (Feb. 20, 2001).

⁴⁸ See *supra* note 45.

⁴⁹ Interview with male [age unknown], Jalalabad city, Nangarhar province, Feb. 7, 2011.

⁵⁰ Interview with male [age unknown], Maidan Shar, Wardak province, March 25, 2010

⁵¹ Interview with male [age unknown], Kandahar city, Kandahar province, Nov. 22, 2010.

⁵² UNAMA/AIHRRC 2010 report, *supra* note 35.

⁵³ See, e.g., Gareth Porter and Shah Noori, “U.N. Reported Only a Fraction of Civilian Deaths from U.S. Raids,” *Inter Press Service*, March 17, 2011, <http://ipsnews.net/news.asp?idnews=54883> (citing AIHRC Commissioner Nader Nadery that the UNAMA/AIHRRC report only included statistics and case studies based on cases they were able to investigate thoroughly); UNAMA Protection of Civilians, Mid-Year Report, July 2011, page 25. (“Given both limitations associated with the operating environment and limited access to information, UNAMA may be under-reporting the number of night raids involving civilian casualties.”) Interview with international human rights monitor [name, title withheld] in Kabul city, Kabul province, February 10, 2011 (discussing under-reporting of

night raids because many of the areas in which they take place are inaccessible and the civilian deaths are difficult to verify).

⁵⁴ See, e.g., Carlotta Gall, "Night Raids Curbing Taliban, but Afghans Cite Civilian Toll," *New York Times*, July 8, 2011 (noting that "Military officials say that they get their target 80 percent of the time, and that less than 1 percent of the raids lead to civilian casualties."). ISAF generally tracks civilian casualties according to whether the death or injury was the result of "direct fire", "indirect fire", "close air support", etc. It does not aggregate casualties resulting from night raids specifically. This may explain why it does not release statistics on civilian casualties in night raids, although it does raise a question as to where the 1% statistic originates.

⁵⁵ In particular, it seems methodologically unconvincing that the statistic about no shot fired in 80% of night raids has remained the same for over a year, despite changes in the number of operations, and tactics used over time. See, e.g., Quil Lawrence, "Afghan Deaths Reignite Controversy Over Night Raids," *National Public Radio*, May 24, 2010, <http://www.npr.org/templates/story/story.php?storyId=127090878> (a May 2010 story noting ISAF statements that in 80% of night raids no shots fired); Robinson: "Flash, Bang", *supra* note 19 (a February 2011 story noting ISAF statements that in 80% of night raids no shots fired); <http://www.pbs.org/wgbh/pages/frontline/kill-capture/night-raids/> (a May 2011 story noting ISAF statements that in 80% of night raids no shots fired).

⁵⁶ Interview with male [age unknown], Jalalabad city, Nangarhar province, Feb. 7, 2011.

⁵⁷ Interview with 30-year-old male, Mehter Lam city, Laghman province, Feb 8, 2011 (also noting that his uncle subsequently died from his wounds, a shrapnel wound to the arm).

⁵⁸ *Id.*

⁵⁹ A spokesman for ISAF at the time noted that it did not matter whether the men who ran outside were firing or not for a determination of hostile intent. "If you have got an individual stepping out of a compound, and if your assault force is there, that is often the trigger to neutralize the individual. You don't have to be fired upon to fire back." Jerome Starkey, "Nato 'covered up' botched night raid in Afghanistan that killed five," *The Times*, March 13, 2011.

⁶⁰ مرد 61 ساله ساکن در سرخزود ولایت ننگرهار طی مصاحبه ای در نهم فیبروری 2011 گفت " کدام علامت هشدار دهنده ای را بخاطر ندارم. بمجردی که پسر را دیدند، بالایش فیر کردند و کشتند. دامادم از خواب برخاست و با دیدن امریکایی ها پا به فرار گذاشت. او را هم کشتند. پسر که در خواب بود تفنگ شکاری در پهلو داشت. تفنگی که برای شکار پرندگان بکار میروید. او را مستقیما هدف گرفته 10 تا 12 مرمی در سینه اش خالی کردند. بمن گفتند که دسن هایت را بالا بگیر."

⁶¹ طی یک واقعه حمله شبانه در ماه می 2011، دختر 12 ساله ای حین فرار از نیرو های عملیاتی توسط فیر گلوله کشته شد. به اساس یک بیان آیساف بعد از واقعه، "یک فرد از پشت خانه بطرف حاشیئه حلقه محاصره دوید و هنگامی بقتل رسید که نیرو های امنیتی اشتباها وجود سلاح را همراه Alissa R. Rubin، "Girl, 12, Killed in NATO Raid on Wrong Afghan Home," *New York Times*, May 12, 2011. See also Interview with 38-year-old man, Jalalabad city, Nangarhar province, Feb. 9, 2011 (describing how international military shot after a 12-year-old boy who ran away when they entered the house and yard).

⁶² A spokesman for ISAF at the time noted that it did not matter whether the men who ran outside were firing or not for a determination of hostile intent. "If you have got an individual stepping out of a compound, and if your assault force is there, that is often the trigger to neutralise the individual. You don't have to be fired upon to fire back." Jerome Starkey, "Nato 'covered up' botched night raid in Afghanistan that killed five," *The Times*, March 13, 2011.

⁶³ The concern that a man picking up his cell phone might be activating a bomb remotely or calling for back-up has frequently been used as a justification for shooting someone who otherwise has no hostile intent. Alissa J. Rubin,

“Bombs Kill 13 Afghans; Elderly Man Dies in Raid,” March 21, 2010, *New York Times*, <http://www.nytimes.com/2010/03/22/world/asia/22afghan.html>

⁶⁴ Emma Graham-Harrison, “Factbox: Night-time raids in Afghanistan,” *Reuters*, February 26, 2011, <http://www.trust.org/alertnet/news/factbox-night-time-raids-in-afghanistan/>. Similarly high volumes of detentions took place in late 2010 and through the summer of 2011, though specific statistics on the number of those detained were not available, despite repeated requests.

⁶⁵ Andrea Prasow, “Afghan Torture Is No Secret,” *National Post*, May 4, 2010. <http://network.nationalpost.com/NP/blogs/fullcomment/archive/tags/National+Postost/default.aspx>. Judgment: *R (Evans) v SS Defence*, <http://www.judiciary.gov.uk/NR/rdonlyres/60E1560B-7E8A-4C3C-A886-C309B35237AD/0/revansvsdjudgment.pdf> (singling out the NDS in particular in evaluating complaints of widespread mistreatment and torture at Afghan detention facilities).

⁶⁶ Interview with 61-year-old male, Surkhod district, Nangarhar province, Feb. 9, 2011.

⁶⁷ See, e.g., Thomas Ruttig and Susanne Schmeidl, 2011, “Talking about Civilian Casualties in Kabul,” *Afghanistan Analyst Network Blog*, July 3, 2011, <http://aan-afghanistan.com/index.asp?id=1893>

⁶⁸ In the past, ISAF was sometimes willing to share cockpit video or other material they believed established the combatant nature of those killed in ISAF military operations. In the last year and a half those requests have routinely been refused. Interview with international human rights monitor in Kabul city, Kabul province, February 9, 2011; Interview with international human rights monitor in Kabul city, Kabul province, April 13, 2011.

⁶⁹ The last redacted investigation report released, related to a February 2010 airstrike in the border area of Uruzgan/Daikundi provinces. Headquarters United States Forces Afghanistan, Press Release: U.S. Releases Uruzgan Investigation Findings (100528-NR-019), May 28, 2010, Kabul, Afghanistan, <http://www.isaf.nato.int/article/isaf-releases/u.s.-releases-uruzgan-investigation-findings.html>.

⁷⁰ The last directive to be released publicly was the January 2010 tactical directive on night raids, An unclassified version of the first tactical directive has been released and is available at: <http://www.isaf.nato.int/article/isaf-releases/isaf-issues-guidance-on-night-raids-in-afghanistan.html>.

⁷¹ Night raids might also be carried out in smaller numbers by ISAF Special Operations Forces (including U.S., British, Australian, Canadian, or other countries’ Special Forces), or by U.S. Special Forces belonging to Combined Forces Special Operations Component Command (CFSOCC).

⁷² Chris Rogers, Campaign for Innocent Victims in Conflict (CIVIC) Worldwide, *Addressing Civilian Harm in Afghanistan: Policies and Practices of International Forces*, CIVIC Worldwide, April 2010, available at <http://www.civicworldwide.org/afghanistan>.

⁷³ Phone interview with military officer, May 26, 2011

⁷⁴ Phone interview with former COM-ISAF strategic advisor, May 31, 2011; Interview with COM-ISAF strategic advisor, Kabul city, Kabul province, April 17, 2011; Phone interview with military officer, May 26, 2011.

⁷⁵ Though OSF and TLO’s research did not find a significant increase in “kill” missions, it is worth noting that other international commentators have suggested that domestic U.S. legal battles over detention authority in sites like Guantanamo have created pressure on the Obama Administration to kill rather than capture suspected terrorists found in Afghanistan, Pakistan, or other sites abroad. John Yoo, “From Guantanamo to Abbottabad,” *Wall Street Journal*, May 4, 2011, (“Mr. Obama would rather kill al Qaeda leaders—whether by drones or special ops teams—than wade through the difficult questions raised by their detention.”); Kenneth Anderson, “Targeted Killing in U.S. Counterterrorism Strategy and Law,” May 11, 2009, Hoover Institution, at 7 (“the political costs for any U.S.

administration in taking and holding detainees are now enormous. ... Politically, the most powerful institutional incentive today is to kill rather than capture them.”); Tara McKelvey, “Inside the Killing Machine,” *Newsweek*, February 13, 2011 (describing comments by former chief lawyer for the CIA, John Rizzo, about critiques of detention process under the Bush Administration “The detainees, by and large, survived, Rizzo observes; today, high-level terrorism suspects often do not.”).

⁷⁶ در حالیکه اکثر افغانها طی مصاحبه گفته اند که نیروهای بین المللی کلتور و مذهب افغانها را نمی دانند باز هم بیشتر شان بالای این ارزش ها تاکید دارند. قسمیکه یک مرد از ولایت وردگ گفت " بحث بر سر این نیست که من افغانم و تو خارجی، یا من مسلمانم و تو نیستی. اگر من نیمه شب بخانهء تو، جایی که تو با فامیلت در خواب هستی بیایم، آنرا تلاشی نمایم و اطفال را بترسانم، در مورد من چه فکری خواهی کرد؟".

Interview with male [age unknown], Maidan Shar, Wardak province, March 25, 2010.

⁷⁷ For example, Pashtun communities in Khas Uruzgan district of Uruzgan province have frequently complained about night raids conducted by Hazara forces (either independently or jointly with international forces). This issue has exacerbated long-standing tensions between Hazara and Pashtun communities in the area. See also The Liaison Office, *The Dutch Engagement in Uruzgan: 1996-2010*, Kabul: The Liaison Office (2010).

⁷⁸ Thom Shanker, Elizabeth Bumiller, and Rod Nordland, “Despite Gains, Night Raids Split U.S. and Karzai,” *New York Times*, November 15, 2010, <http://www.nytimes.com/2010/11/16/world/asia/16night.html> (“NATO officials in Kabul say that representatives from the Afghan ministries of defense and interior, and from Mr. Karzai’s own national directorate of security, work inside the operations center and approve each mission.”); Josh Partlow, “Karzai wants U.S. to reduce military operations in Afghanistan,” *Washington Post*, November 14, 2010 (“On each mission, Afghan commandos accompany U.S. troops and Afghan officers work with the Special Operations command at Bagram Airfield to choose targets, military officials said”). Several current and former military officials have also told OSF and TLO that in some cases, the decision to conduct a raid and the authorization for it is more immediate, with the information learned in one raid leading to a second night raid on a different target the very same night. It is not clear what the Afghan involvement in authorization of these types of raid is; however, they appear to happen infrequently. Interview with COM-ISAF strategic advisor, April 17, 2011; Phone interview with former COM-ISAF strategic advisor, May 31, 2011.

⁷⁹ Interview with Col. Paul Harkness, Kabul city, Kabul province, Afghanistan, June 9, 2010.

⁸⁰ *Id.*

⁸¹ In October 2010, the Afghan National Security Council Afghan officials announced that this level of consultation gave them no meaningful control. Amir Shah & Heidi Vogt, “Afgh: Consult system on ops not working,” *Associated Press*, Oct. 18, 2011, http://www.wivb.com/dpps/military/Afghan-Consult-system-on-military-ops-not-working_3614649. In November 2010, Afghan President Karzai called for an end to night raids. Joshua Partlow, “Karzai wants U.S. to reduce military operations in Afghanistan,” *Washington Post*, Nov. 14, 2010, <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2010/11/13/AR2010111304001.html>. In May 2011, President Karzai ordered the Defense Ministry to bring night raids under their control. Hamid Shalizi, “Karzai wants Afghans to take control of night raids,” *Reuters*, May 28 2011, http://www.realclearworld.com/news/reuters/international/2011/May/28/karzai_wants_afghans_to_take_control_of_night_raids.html.

⁸² Interview with Col. Paul Harkness, Kabul city, Kabul province, Afghanistan, June 9, 2010

⁸³ *Id.*

⁸⁴ Interview with male [age unknown], Kabul city, Kabul province, March 13, 2011; Interview with male [age unknown], Kabul city, Kabul province, March 13, 2011.

⁸⁵ Interview with male [age unknown], Kabul city, Kabul province, March 12, 2011.

⁸⁶ But see *supra* note 75.

⁸⁷ Though many witnesses noted that Afghans were part of the forces, they rarely described them as in the lead. Instead, witnesses reported that international forces often take the lead in night raid operations and have not been limited to a “perimeter role,” as ISAF has claimed.

⁸⁸ Interview with local rights monitor, Jalalabad city, Nangarhar province, Feb. 6, 2011.

⁸⁹ Interview with man [age unknown], Jalalabad city, Nangarhar province, Feb. 7, 2011.

⁹⁰ Robinson: "Flash, Bang", *supra* note 19 (noting that in a night raid the journalist participated in, a Female Engagement Team of female soldiers dealt with the women in the home). See also Thom Shanker, Elizabeth Bumiller, and Rod Nordland, "Despite Gains, Night Raids Split U.S. and Karzai," *New York Times*, Nov. 15, 2010, <http://www.nytimes.com/2010/11/16/world/asia/16night.html>. These teams have also been criticized for having an intelligence gathering function which could potentially endanger the women they interact with.

⁹¹ Open Society Institute & The Liaison Office: "Strangers at the door", *supra* note 1, at p. 12.

⁹² For example, one man from Kandahar province who overall spoke more approvingly of night raids said, "When they search Americans do not steal property or money, but the ANA and Police, they do. ... We wish the police not to steal and do not take bribers to release prisoners." Interview with male [age unknown], Kabul city, Kabul province, March 12, 2011.

⁹³ Oxfam, Campaign for Innocent Victims in Conflict, Human Rights Research Consortium, & Peace Training & Research Organization, Joint Briefing Paper: No Time to Lose: Promoting the Accountability of the Afghan National Security Forces, May 10, 2011.

⁹⁴ Forthcoming Human Rights Watch report; "Just Don't Call It a Militia" - Impunity, Militias, and the Afghan Local Police. (To be published September 13, 2011).

⁹⁵ Martine van Bijlert, 2011, "Khas Uruzgan violence and ISAF press releases," *Afghanistan Analyst Network Blog*, June 26, 2011; <https://www.afghanistan-analysts.net/index.asp?id=1846>, and forthcoming Human Rights Watch report; "Just Don't Call It a Militia" - Impunity, Militias, and the Afghan Local Police. (To be published September 13, 2011).

⁹⁶ Interview with Col. Paul Harkness, Kabul city, Kabul province, June 9, 2011.

⁹⁷ In contrast to ISAF statements many community elders and Afghan civilians interviewed argued that if international forces had come during the daytime or sent for them, they could have detained and/or questioned the individuals peacefully. See, e.g., Interview with elderly male [age unknown], Tirin Kot, Uruzgan province, July 4, 2011 (suggesting that a more peaceful alternative to night raids would be for international forces to secure or seal off the targeted area at night, then after daybreak search the house and detain individuals after requesting permission from elders).

⁹⁸ ISAF has sometimes argued that regular law enforcement is not possible in many areas because ANSF do not have control of all areas or sufficient capacity to carry out these detentions through regular law enforcement. This argument would be more convincing if night raids were only used in contested areas or areas known to have a weak ANSF force presence. The fact that night raids occur regularly in major provincial capitals including Kabul city and Jalalabad, in which ANSF forces are strong, suggests that this is not the main reason for the lack of alternative detention practices.

⁹⁹ Bashir Ahmad Naadem, "Al Jazeera journalist freed in Kandahar," *Pajwok Afghan News*, Sept. 24, 2010, <http://www.pajhwok.com/en/2010/09/24/al-jazeera-journalist-freed-kandahar>.

¹⁰⁰ Interview with Rahmatullah Nekzad, Ghazni local journalist for Al Jazeera, Kabul city, Kabul province, Sept. 26, 2010.

¹⁰¹ In some cases the signal intelligence might not suggest the individual's occupation, or public profile as clearly as it might have in the Al Jazeera case. Thus, ISAF might not know that the person is so easily detainable by other means. If so, the fact that ISAF does not check out such basic, public details of a person's life before authorizing the potential use of lethal force on the family home is legally questionable, an issue raised more generally with regard

to targeted killings. Past efforts to reduce civilian casualties from international military operations have included requirements to do a full pattern of life analysis before targeting. If these requirements are not already part of the restrictions applicable to night raids, there are strong grounds for including them.

¹⁰² Anand Gopal, "Afraid of the Dark in Afghanistan," *TomDispatch.com*, Jan. 28, 2010, http://www.tomdispatch.com/blog/175197/tomgram%3A_anand_gopal,_afraid_of_the_dark_in_afghanistan/

¹⁰³ Additional Protocol I, Art. 57(1).

¹⁰⁴ Additional Protocol I, Art. 57 (2)(b).

¹⁰⁵ Additional Protocol I, Art. 57(3).

¹⁰⁶ For more on the applicability of human rights law during periods of armed conflict, see generally, Noam Lubell, "Challenges in applying human rights law to armed conflict," *Int'l Rev. of the Red Cross*, Volume 87, Number 860 (December 2005). Rule of Law in Armed Conflict Project Website, "Interaction between humanitarian law and human rights in armed conflicts," http://www.adh-geneva.ch/RULAC/interaction_between_humanitarian_law_and_human_rights_in_armed_conflicts.php (last accessed August 1, 2011). In addition, most relevant for this issue in Afghanistan, the United States generally contests the extra-territorial application of human rights treaties absent a specific provision. See generally, Michael Dennis, Application of Human Rights Treaties Extraterritorially in Times of Armed Conflict and Military Occupation, 99 *Am. J. Int'l L.* 119 (2005).

¹⁰⁷ Some scholars have noted that three situations in which human rights law might be relied on to a greater extent during periods of armed conflict are: occupation, non-international armed conflict, and counter-terrorism. See Michael N. Schmitt, "Investigating Violations of International Law in Armed Conflict," *Harv. Nat'l Sec. J.*, Vol. 2, Issue 2, 51 - 56 (2010) (noting also that "The instance and scope of applicability will depend in great part on whether the situation involves an incident directly related to the conduct of the armed conflict or one where the nexus with the conflict is attenuated."). See generally, Robert J. Delahunty & John Yoo, "What is the Role of International Human Rights Law in the War on Terror?" 59 *DePaul L. Rev.* 803 (2010). Noam Lubell, "Challenges in applying human rights law to armed conflict," *Int'l Rev. of the Red Cross*, Volume 87, Number 860 (December 2005), 746 – 750 (arguing that because IHL is less developed with regard to non-international armed conflicts, human rights law might be relied upon more heavily: "where IHL treaties are silent, human rights law might be offered as an answer").

¹⁰⁸ The Afghan NGO Safety Office – a widely trusted non-governmental security monitor that regularly tracks security incidents – found a 119% increase in insurgent attacks from June 2009 to June 2011. Kate Clark, "Civilian Casualties 1: Progress in the war or a 'perpetually escalating stalemate'?" *Afghan Analysts Network blog*, July 21, 2011, <http://aan-afghanistan.com/index.asp?id=1957>.

¹⁰⁹ Joshua Partlow, "Karzai wants U.S. to reduce military operations in Afghanistan," *Washington Post*, November 14, 2010.

¹¹⁰ *Id.* Emma Graham-Harrison, Long-term deal with U.S. must be on Afghan terms: Karzai," *Reuters*, July 26, 2011, <http://www.reuters.com/article/2011/07/26/us-afghanistan-us-idU.S.TRE76P1U320110726>.

¹¹¹ See *supra* note 108 (noting 119% rise in insurgent attacks since the "surge" in troops and in night raids).